

کتاب امثال سلیمان

مقدمه

کتاب امثال سلیمان گلچینی از تعلیم و تربیت اخلاقی و دینی حکیمانه است که به شکل جملات کوتاه و موزون در لفافهٔ مثل بیان شده است. بیشترین این امثال به سلیمان، پادشاه خردمند و حکیم، نسبت داده می‌شود. مقصد اصلی کتاب امثال در آغاز در آیات دو و سه فصل اول بیان شده است: «این گفتار حکیمانه به شما کمک می‌کند تا حکمت و نصیحت خوب را تشخیص دهید و گفتار عاقلانه را بفهمید. به شما یاد می‌دهد که چگونه عاقلانه و با عدالت و انصاف و امانت زندگی کنید.»

تعلیمات این کتاب نه تنها به مسائل اخلاقی و دینی ارتباط دارد، بلکه به انسان می‌آموزد که دارای عقل سلیم و آداب و روش زندگی مردم‌پسند باشد. جملات کوتاه این امثال بیانگر خرد و بینش معلمین قدیم اسرائیلی‌اند که یک شخص دانا و عاقل در شرایط و اوضاع خاصی چه عکس‌العملی از خود نشان دهد. برخی از این امثال با مسائل کار و وظیفه، بعضی با آداب معاشرت، رابطهٔ انسان با فامیل و اجتماع و خویش‌داری مربوط‌اند. این امثال بر علاوه اوصاف فروتنی، صبر، احترام به فقرا و وفاداری و صداقت به دوستان و محبان را بیان می‌کنند.

اکثر امثال حکیمانهٔ سلیمان عملی و تطبیق آنها در زندگی روزانه بسیار سودمند است. این کتاب به خواننده بینش می‌بخشد تا خردمندانه و خداپسندانه زندگی کند.

فهرست مندرجات:

در وصف حکمت: فصل ۱ - ۹

امثال سلیمان: فصل ۱۰ - ۲۹

سخنان آگور: فصل ۳۰
امثال مختلف: فصل ۳۱

ارزش حکمت

۱ گفتار حکیمانه سلیمان - پسر داود، پادشاه بنی اسرائیل. ^۲ این گفتار حکیمانه به شما کمک می‌کند تا حکمت و نصیحت خوب را تشخیص بدهید و گفتار عاقلانه را بفهمید. ^۳ به شما یاد می‌دهد که چطور عاقلانه و با عدالت و انصاف و امانت زندگی کنید. ^۴ این گفتار حکیمانه به اشخاص بی تجربه حکمت می‌آموزد و جوانان را به افرادی لایق و کاردان تبدیل می‌کند. ^{۵-۶} این گفتار حکیمانه، حتی حکمت دانشمندان را زیاده‌تر کرده و افراد تحصیل کرده را راهنمایی می‌کند تا بتوانند معنی گفتار حکما و مسائل مشکل دانشمندان را درک نمایند.

نصیحت به جوانان

^۷ ترس خداوند، ابتدای حکمت است، اما مردم نادان ارزش حکمت و ادب را نمی‌دانند. ^۸ ای پسر من، نصیحت پدر خود را بشنو و تعلیمات مادرت را فراموش مکن. ^۹ تعلیمات آن‌ها مانند تاج عزت و جلال بر سر تو و گردن‌بند زیبایی و افتخار بر گردنت خواهند بود.

^{۱۰} فرزندم، وقتی گناهکاران کوشش می‌کنند تو را فریب دهند، تسلیم نشو. ^{۱۱} اگر بگویند: «بیا با هم متحد شویم تا یک نفر را بکشیم و کمین کنیم تا خون بی‌گناهان را بریزیم، ^{۱۲} بیا تا مثل قبر آن‌ها را زنده زنده قورت کنیم و مانند مرگ بر سر آن‌ها نازل شویم، ^{۱۳} هرگونه اموال گرانبها به دست می‌آوریم و خانه‌های خود را از اموال دزدی پُر می‌کنیم. ^{۱۴} بیا باهم همدست شویم تا هرچه بدزدیم با هم تقسیم کنیم.»

^{۱۵} فرزندم، با آن‌ها در یک راه مرو و از آن مردم دوری کن. ^{۱۶} چونکه پای آن‌ها به خاطر شرارت می‌دود و برای ریختن خون شتاب می‌کند. ^{۱۷} انداختن دام در مقابل چشمان یک پرنده کار بیهوده‌ای است. ^{۱۸} اما این قبیل افراد، برای خود دام می‌نشانند، دامی که خودشان در آن هلاک خواهند شد. ^{۱۹} دزدی، عاقبت باعث هلاکت دزد می‌شود.

سرنوشت کسانی که با قتل و غارت زندگی می‌کنند، هلاکت و نابودی است.

ندای حکمت

^{۲۰} حکمت در کوچه‌ها و در جاده‌ها با آواز بلند همه را صدا می‌زند. ^{۲۱} در دروازه شهرها و هر جایی که مردم دور هم جمع می‌شوند، فریاد می‌کند:

^{۲۲} «ای مردم نادان، تا کی می‌خواهید احمق باشید؟ تا به کی می‌خواهید از مسخره کردن دانش لذت ببرید؟ تا به کی مردم احمق از حکمت نفرت می‌کنند؟ ^{۲۳} وقتی شما را صدا می‌کنم گوش بدهید. پندهای خوبی می‌دهم و آنچه می‌دانم به شما می‌آموزم. ^{۲۴} چندین بار من شما را صدا کردم، نیامدید. دستهای خود را به طرف شما دراز کردم، پروا نکردید. ^{۲۵} نصایح مرا نپذیرفتید و نخواستید که شما را اصلاح کنم. ^{۲۶} پس، وقتی گرفتار شوید، به شما می‌خندم و هنگامی که دچار ترس و وحشت شوید، شما را مسخره می‌کنم. ^{۲۷} وقتی ترس مثل طوفان به شما حمله کند و مصیبت مانند گردباد، دور شما را بگیرد، وقتی که به تنگدستی و پریشانی دچار شوید. ^{۲۸} آن وقت مرا صدا خواهید کرد ولی جواب نخواهم داد. همه جا به دنبال من خواهید گشت، ولی مرا نخواهید یافت، ^{۲۹} زیرا شما هرگز به حکمت توجه نکردید و از خداوند اطاعت نمودید. ^{۳۰} هیچ وقت با من مشورت نکردید و به نصیحت‌های من توجه نمودید. ^{۳۱} بنابراین، آنچه کاشته‌اید درو خواهید کرد و اعمال شما، شما را گرفتار می‌سازد. ^{۳۲} مردم نادان که حکمت را قبول نمی‌کنند، نابود می‌شوند و بی‌توجهی آن‌ها، خودشان را هلاک خواهد کرد. ^{۳۳} اما کسانی که به من گوش بدهند در آرامش زندگی خواهند کرد و از هیچ چیزی نخواهند ترسید.»

پاداش حکمت

^۱ ^۲ فرزند من، هر چه به تو تعلیم می‌دهم، یاد بگیر و هر هدایتی که به تو می‌دهم، هرگز فراموش مکن. ^۲ به گفتار حکیمانه گوش بده و آن‌ها را یاد بگیر. ^۳ حکمت را طلب نما و

دانایی را جستجو کن. ^۴ همانطوری که برای به دست آوردن پول و پیدا کردن گنج زحمت می‌کشی، برای تحصیل حکمت هم تلاش کن. ^۵ اگر چنین کنی، معنی ترس خداوند را می‌فهمی و در شناختن خدا موفق می‌شوی. ^۶ خداوند بخشنده و دانا است و عقل و دانش از جانب او است. ^۷ او نیکوکاران را توفیق می‌بخشد و از آن‌ها پشتیبانی می‌کند. ^۸ او کسانی را که با دیگران با عدل و انصاف رفتار می‌کنند، محافظت می‌نماید و از کسانی که به او ایمان دارند، حمایت می‌کند.

^۹ اگر به من گوش بدهی، راستی و عدالت و انصاف را خواهی شناخت و راه زندگی را خواهی یافت. ^{۱۰} شخص دانایی می‌شوی و از دانایی خود خوشحال می‌گردی. ^{۱۱} عقل و هوش تو از تو محافظت خواهد کرد، ^{۱۲} و تو را از دست مردم شریر و از دست آنهایی که می‌خواهند باسخنان خود تو را فریب بدهند، نجات خواهد داد. ^{۱۳} این مردم راه راست را ترک می‌کنند تا در تاریکی گناه زندگی نمایند. ^{۱۴} از کارهای زشت خود خوشحال‌اند و از دروغهای شرارت‌آمیز خود لذت می‌برند. ^{۱۵} این افراد بیراه‌اند و راه کج را در پیش گرفته‌اند.

^{۱۶} حکمت، تو را از زناکاری و سخنان فریبنده زنان بدکاره محافظت می‌کند. ^{۱۷} زنانی که به شوهران خود خیانت کرده و پیمان مقدس خود را فراموش نموده‌اند. ^{۱۸} اگر به خانه آن‌ها داخل شوی، به جاده مرگ قدم می‌گذاری. رفتن به آنجا، وارد شدن به دنیای مردگان است. ^{۱۹} کسانی که پیش چنین زنانی می‌روند، هیچ وقت باز نمی‌گردند و هرگز به راه زندگی بازگشت نمی‌کنند. ^{۲۰} بنابراین، تو باید از مردم نیکوکار پیروی کنی و راه و روش مردم عادل را انتخاب نمایی. ^{۲۱} مردم نیک و کامل، در این زمین باقی خواهند ماند. ^{۲۲} لیکن مردمان شریر نابود خواهند گردید. ریشه خیانت‌کاران از زمین کنده خواهد شد.

نصیحت به جوانان

^۳ فرزندم، هر چه به تو یاد می‌دهم فراموش مکن و آنچه به تو می‌گویم به خاطر بسیار. ^۲ تعلیمات من، سلامتی و عمر طولانی به تو می‌بخشد. ^۳ هرگز رحمت و راستی را از خود دور مکن، آن‌ها را زیب گردنت نما و بر لوحهٔ سینه‌ات بنویس. ^۴ اگر چنین کنی، محبوبیت و رضامندی در نظر خدا و انسان خواهی یافت.

^۵ از دل و جان بر خداوند توکل کن و بر عقل خود تکیه مکن. ^۶ در تمام کارهایت خداوند را به خاطر داشته باش و او راه ترا راست می‌گرداند. ^۷ از عقل و حکمت خود لاف نزن، از خداوند بترس و از بدی دوری کن. ^۸ اگر چنین کنی، شفا یافته نیرو و قوت به دست می‌آوری. ^۹ خداوند را احترام نما و از دارائی خود و از اولین محصول زمین خود قسمتی را به او تقدیم کن. ^{۱۰} اگر چنین کنی انبهارهایت پُر از نعمت و خمره‌هایت پُر از شیرۀ انگور خواهد شد.

^{۱۱} وقتی خداوند تو را اصلاح می‌کند، خوب توجه کن و وقتی تو را سرزنش می‌کند، دلگیر نشو. ^{۱۲} همان طوریکه هر پدر با محبت، برای اصلاح فرزند محبوب خود، او را سرزنش می‌کند، خداوند هم ترا اصلاح می‌نماید. ^{۱۳} خوشا به حال کسی که عقل و هوش می‌یابد، ^{۱۴} زیرا ارزش آن از طلا و نقره بیشتر است. ^{۱۵} حکمت از جواهرات گرانبهاتر و از هرچه آرزو کنی با ارزش‌تر است. ^{۱۶} حکمت به تو عمر طولانی و ثروت و احترام عطا می‌کند. ^{۱۷} حکمت در زندگی تو را کامیاب کرده و به راه آرامش و خوشی راهنمایی می‌کند. ^{۱۸} حکمت برای کسانی که از میوهٔ آن استفاده می‌کنند، درخت حیات است، و خوشا به حال کسی که همیشه از آن میوه می‌خورد. ^{۱۹} خداوند زمین را به حکمت خود آفرید و آسمان‌ها را با دانایی خود بنا کرد. ^{۲۰} بر اثر دانش او چشمه فوران کرد و باران از ابرها بر زمین بارید.

^{۲۱} ای پسر، عقل و قضاوت درست و عادلانهٔ خود را حفظ کن و نگذار از تو دور

شوند.^{۲۲} این دو خصلت به تو نیروی حیات می‌بخشند و زندگی ترا زینت می‌دهند.
^{۲۳} آنگاه به سلامتی راه خود را طی می‌کنی و شکست نمی‌خوری.^{۲۴} بدون ترس می‌خوابی
و تمام شب براحتی استراحت می‌کنی.^{۲۵} از بلاهای ناگهانی، که مانند طوفان بر شیران
نازل می‌شود، نخواهی ترسید.^{۲۶} خداوند از تو محافظت می‌کند و نمی‌گذارد که در دام
گرفتار شوی.

^{۲۷} تا می‌توانی از احسان کردن به محتاجان کوتاهی مکن.^{۲۸} اگر می‌توانی حالا به
همسایه‌ات کمک کنی، به او نگو: «برو و فردا بیا.»^{۲۹} در مورد همسایه‌ات که نزدیک
تو زندگی می‌کند و به تو اعتماد دارد، نیت بد نداشته باش.^{۳۰} با کسی که به تو بدی
نکرده‌است، بی‌سبب چون و چرا مکن.^{۳۱} به مردمان ظالم حسادت نورز و از آن‌ها
پیروی منما.^{۳۲} چون خداوند از مردم ظالم متنفر است، اما با اشخاص راستکار دوستی
دارد.^{۳۳} لعنت خداوند بر خانه‌ی شیران است، اما خانه‌ی عادلان را برکت می‌دهد.
^{۳۴} خداوند به مردم مغرور توجهی ندارد اما فروتنان را سرفراز می‌کند.^{۳۵} خردمندان عزت
و جلال به دست می‌آورند، اما نادانان رسوائی خود را بیشتر خواهند کرد.

مزایای دانش

^۴ فرزندان من، به آنچه پدرتان به شما تعلیم می‌دهد، گوش بدهید. توجه کنید تا
معرفت بیابید.^۲ زیرا چیزهای خوبی به شما یاد می‌دهم، پس آن‌ها را فراموش نکنید.
^۳ وقتی طفل کوچک و یگانه فرزند مادرم بودم،^۴ پدرم مرا تعلیم داده می‌گفت: «سخنان
مرا با دل و جان بشنو و هدایات مرا انجام بده تا نجات یابی.»^۵ به دنبال تحصیل دانش
برو و عقل و فهم پیدا کن. آنچه می‌گویم فراموش مکن و از آن سرپیچی منما.^۶ حکمت
را از دست مده تا تو را محافظت نماید. آن را دوست بدار و او نگهدار تو خواهد بود.
^۷ تحصیل دانش از هر کاری برایت اهمیت بیشتر دارد، پس بر علاوه چیزهایی که
به دست می‌آوری، حکمت را هم بیاموز.^۸ حکمت را دوست بدار تا تو را سرفراز و
محترم سازد. با شوق تمام در طلب حکمت باش تا ترا عزت و افتخار بخشد.^۹ حکمت

برای تو تاج افتخار خواهد بود.»

^{۱۰} فرزند من، به آنچه می‌گویم خوب گوش کن و آنرا بجا آور تا عمر طولانی داشته باشی.
^{۱۱} حکمت را به تو آموختم و راه راست را به تو نشان دادم. ^{۱۲} پس، هنگام دویدن در میدان زندگی نخواهی لنگید، به زمین نخواهی خورد. ^{۱۳} نصایح مرا همیشه به خاطر داشته باش. آن‌ها را فراموش مکن، چونکه آن‌ها ترا به زندگی واقعی می‌رسانند. ^{۱۴} در راه مردم شریر مرو و از معاشرت با مردمان ظالم دوری کن. ^{۱۵} کارهای آن‌ها را انجام نده، از آن‌ها دوری نما و براه دیگر برو. ^{۱۶} آن‌ها تا بدی نکنند خواب‌شان نمی‌برد، و تا به دیگران آزار نرسانند دل‌های‌شان آرام نمی‌شوند. ^{۱۷} چونکه ظلم و شرارت برای آن‌ها مثل نان و آبی است که می‌خورند و می‌نوشند.

^{۱۸} راه مردم نیکوکار مانند سپیده صبح است که هر لحظه روشنی آن زیادتر می‌شود تا روز برسد. ^{۱۹} اما راه مردم شریر مثل شب، تاریک است. آن‌ها به زمین می‌خورند، اما نمی‌دانند بر سر چه می‌لغزند.

^{۲۰} فرزند من، به سخنان من گوش بده و به آنچه می‌گویم توجه داشته باش. ^{۲۱} آن‌ها را در قلب خود حفظ کن و هرگز از یاد مبر. ^{۲۲} کسی که آن‌ها را بفهمد از سلامتی و زندگی بهتری برخوردار خواهد شد. ^{۲۳} توجه داشته باش که احساسات و دل خود را حفظ کنی، زیرا تمام جنبه‌های زندگی ترا تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. ^{۲۴} سخنان دروغ و بیهوده را از دهان خود دور کن ^{۲۵} با جرأت و اطمینان به پیش رو نگاه کن و سرت را برنگردان. ^{۲۶} برای هر کاری که می‌کنی، بدقت نقشه بکش تا کارهایت بخوبی انجام شود. ^{۲۷} حتی یک قدم از راه راست بیرون مشو و از بدی دوری نما.

هشدار در مورد زنا

^۱ ^۵ فرزند من، به حکمت من توجه داشته باش و پند و نصیحت مرا گوش کن. ^۲ آنگاه

خواهی دانست که چگونه درست رفتار کنی و سخنان تو نشان خواهند داد که عاقل و دانا هستی.^۳ لبهای زن شوهردار شاید از عسل شیرین تر و بوسه‌هایش از ابریشم ملایم تر باشد،^۴ اما در پایان کار غیر از تلخی و درد و رنج چیزی برایت باقی نمی‌گذارد.^۵ چنین زنی، انسان را به طرف مرگ می‌کشاند و در قعر جهنم می‌اندازد.^۶ هرگز در راه راست قدم نمی‌گذارد، بلکه آواره و سرگردان است و خودش این را نمی‌داند.

^۷ پس ای فرزندان من، به من گوش بدهید و آنچه را که می‌گویم هرگز فراموش نکنید.^۸ به این قبیل زنان نزدیک نشوید و حتی نزدیک خانه آن‌ها هم نروید.^۹ مبادا آبروی خود را از دست داده و در جوانی به دست ظالمان هلاک شوید.^{۱۰} مبادا اموال شما نصیب بیگانگان شده و نتیجه یک عمر زحمت تان به هدر رود.^{۱۱} مبادا گوشت و استخوانهای تان فاسد شوند و در آخر عمر به حال خود گریه کنید^{۱۲} که چرا به پند و نصیحت دیگران گوش ندادیم و نخواستیم عبرت بگیریم.^{۱۳} به سخنان معلمین خود گوش ندادیم و به آن‌ها توجه نکردیم.^{۱۴} ناگهان متوجه شدیم که در پیش مردم رسوا شده‌ایم.

^{۱۵} تنها به زن خودت عشق بورز و به او وفادار باش و فقط او را دوست بدار.^{۱۶} تا او هم به تو وفادار بماند و بدنبال مردهای دیگر نرود.^{۱۷} او فقط زن تو باشد و نباید با مردهای دیگر رابطه داشته باشد.^{۱۸} بنابراین، از زن خود که در جوانی با او ازدواج کرده‌ای، لذت ببر.^{۱۹} بگذار او مانند آهوی زیبا و خوش اندام، تو را با عشق و خوشی در آغوش بکشد.^{۲۰} ای پسر، چرا باید عشق خود را به زن دیگری ابراز کنی و چشمانت دنبال زنان شوهردار باشد؟^{۲۱} هر جا بروی و هر کاری که انجام دهی، خداوند می‌بیند.^{۲۲} گناهان مرد شریر مانند دامی است که خودش در آن گرفتار می‌شود.^{۲۳} چون به ندای حقیقت گوش نمی‌دهد، هلاک می‌گردد و نادانی او، او را به گور می‌فرستد.

هشدارهای بیشتر

۶ فرزندانم، اگر از کسی ضمانت کنی و پرداخت قرض او را تعهد نمائی، در حالیکه او

را نمی‌شناسی،^۲ خود را واقعاً به زحمت انداخته‌ای. ممکن است با این کار برای خود دامی درست کرده باشی.^۳ پس عجله کن هر چه زودتر بدون خجالت خود را از این دام رها ساز، فوراً نزد او برو خواهش کن و ضمانت خود را پس بگیر.^۴ تا این کار را نکرده‌ای نخواب و حتی لحظه‌ای آرام ننشین.^۵ خود را مثل آهو از دست شکارچی و مثل پرنده از دام صیاد آزاد کن.

مردم تنبل بروند و از زندگی مورچه‌ها عبرت بگیرند.^۷ آن‌ها نه رهبر دارند و نه کارفرما.^۸ اما آذوقه زمستان خود را هنگام تابستان ذخیره می‌کنند.^۹ مرد تنبل تا کی می‌خواهد و چه وقت از خواب بیدار خواهد شد؟^{۱۰} او می‌گوید: «یک لحظه دیگر می‌خواهم و کمی استراحت می‌کنم!»^{۱۱} اما وقتی که خواب است، فقر و هلاکت، مانند راهزن بر او حمله می‌کند.

مردمان پست و بی‌ارزش همیشه و همه جا دروغ می‌گویند.^{۱۳} با اشاره حرف می‌زنند و حرکات و اشاراتی می‌کنند که تو را فریب بدهند.^{۱۴} همیشه فکرشان پُر از نقشه‌های پلید و زشت است تا در دسر ایجاد کنند.^{۱۵} بهمین دلیل، بلا و مصیبت ناگهانی بر آن‌ها حمله می‌کند و آن‌ها را طوری شکست می‌دهد که دیگر چاره‌ای نداشته باشند.

شش،^{۱۶-۱۹} بلکه هفت چیز است که خداوند از آن‌ها نفرت دارد و نمی‌تواند تحمل کند: چشم متکبر، زبان دروغگو، دستی که خون بیگناهی را بریزد، فکری که نقشه‌های پلید بکشد، پایی که برای انجام کارهای زشت عجله کند، شاهی که شهادت دروغ بدهد و کسی که بین برادران اختلاف بیندازد.

اخطار علیه زناکاری

هر چه پدرت می‌گوید انجام بده و آنچه مادرت می‌گوید فراموش مکن.^{۲۱} سخنان آن‌ها را همیشه بخاطر داشته باش و آن‌ها را در قلبت حفظ کن.^{۲۲} تعلیمات آن‌ها هنگام سفر راهنما، شبها محافظ و روزها مشاور تو خواهند بود.^{۲۳} اوامر آن‌ها مانند چراغی

روشن است و سرزنش های آن ها طریق زندگی را به تو می آموزد. ^{۲۴} آن ها تو را از زنان بدکار و از سخنان فریبنده شان دور می کند. ^{۲۵} مواظب باش که زیبایی آن ها تو را تحریک ننماید و چشمان افسونگر شان تو را وسوسه نکنند. ^{۲۶} زنا کردن با زن فاحشه انسان را به فقر و گرسنگی می کشاند، اما زنا کردن با زن شوهردار به قیمت هستی و زندگی انسان تمام می شود.

^{۲۷} آیا می توانی آتش را در آغوش بگیری و نسوزی؟ ^{۲۸} آیا کسی می تواند روی آتش راه برود و پایش نسوزد؟ ^{۲۹} همینطور کسی که با زن شوهردار همبستر شود، از مجازات در امان نخواهد بود. ^{۳۰} مردم، کسی را که بخاطر گرسنگی دزدی کرده است، سرزنش نمی کنند، ^{۳۱} اما اگر دستگیر شود باید هفت برابر آنچه دزدیده جریمه بدهد. باید هر چه دارد بدهد. ^{۳۲} اما مردی که با زن شوهردار زنا می کند، کاملاً پست و احمق است. زیرا او جان خود را از بین می برد. ^{۳۳} رسوایی و بدنامی نصیب او خواهد شد و ننگ او از بین نخواهد رفت. ^{۳۴} زیرا حسادت، خشم شوهر آن زن را بر می انگیزد و در موقع انتقام هیچ رحم و شفقتی نخواهد کرد. ^{۳۵} هیچ چیز او را راضی نمی کند و به هیچ قیمتی نمی توانی رضایت او را به دست آوری.

۷^۱ فرزندم، هر چه می گویم به خاطر بسیار و هرگز فراموش نکن ^۲ هر چه می گویم، انجام بده تا زنده بمانی. تعلیمات مرا مانند مردمک چشم خود محافظت کن. ^۳ آن ها را آویزه گوش خود ساز و بر لوح دلت نقش کن. ^۴ حکمت را خواهر خود محسوب کن و دانش را مانند نزدیکترین دوست خود بدان. ^۵ آن ها تو را از زن شوهردار و از سخنان تملق آمیز آن ها دور می کند.

زنان هرزه و فاسد

^۶ یک روز از پنجره اطاقم به بیرون نگاه می کردم. ^{۷-۹} در بین جوانان بی تجربه، جوان احمقی را دیدم که در موقع تاریک شدن هوا، در کوچه ای به طرف خانه زنی می رفت.

^{۱۰} آن زن به طرف او آمد. لباس زنان هرزه را پوشیده بود و نقشه‌های پلیدی در سر داشت. ^{۱۱-۱۲} زن گستاخ و بی‌حیائی بود. از آن زنهایی که همیشه در جاده‌ها گردش می‌کنند و یا در گوشه‌ سرکها و کوچه و بازارها می‌ایستند. ^{۱۳} دست‌های خود را به گردن آن جوان انداخت او را بوسید و با نگاهی شرم‌آور گفت: ^{۱۴} «امروز نذر خود را داده و قربانی کرده‌ام و از گوشت آن غذا پخته‌ام. ^{۱۵} اکنون به دنبال تو می‌گشتم تا تو را پیدا کنم و حالا یافتم. ^{۱۶} رختخواب خود را با پارچه‌های ابریشمی رنگارنگ مصری پوشانیده‌ام ^{۱۷} و با بهترین عطرهاى خوشبو آن را معطر کرده‌ام. ^{۱۸} بیا برویم تا صبح عشق‌بازی کنیم و در آغوش هم لذت ببریم، ^{۱۹} شوهرم در خانه نیست و به سفر درازی رفته‌است. ^{۲۰} پول زیادی با خود برده و تا دو هفته دیگر بر نمی‌گردد.» ^{۲۱} سرانجام با زبان چرب و نرم و با چاپلوسی او را فریب داد. ^{۲۲} او فوراً تسلیم شده مثل گاوی که به کشتارگاه می‌رود، ^{۲۳} و مانند آهویی که خرامان به سوی دام پیش می‌رود تا تیری به قلبش زده شود و مانند پرنده‌ای که به داخل دام می‌پرد، به دنبال آن زن به راه افتاد و نمی‌دانست که زندگی او در خطر است.

^{۲۴} پس ای پسران من، توجه کنید و به سخنان من گوش دهید: ^{۲۵} نگذارید چنین زنی قلب شما را اسیر کند. به دنبال او نروید. ^{۲۶} او مردان زیادی را بیچاره کرده و عده بی‌شماری را به سوی مرگ کشانده‌است. ^{۲۷} اگر به خانه چنین زنانی بروی، در راه جهنم هستی و این راه، کوتاهترین راه به سوی مرگ و نابودی است.

ندای حکمت

۸ ^۱ حکمت شما را دعوت می‌کند و عقل سلیم شما را به سوی خود می‌خواند. ^۲ در جاهای بلند، در کنار جاده‌ها و سر چهار راه‌ها ایستاده‌است. ^۳ کنار دروازه شهرها و در پیشروی خانه‌ها فریاد می‌زند: ^۴ «ای مردان، به شما و همچنین به تمام بشر می‌گویم. ^۵ اگر جاهل هستید یاد بگیرید تا عاقل شوید. اگر نادان هستید یاد بگیرید تا دانا شوید. ^۶ گوش دهید، چونکه سخنانم بسیار عالی و آنچه می‌گویم کاملاً درست است. ^۷ آنچه

می گویم حقیقت دارد، زیرا از دروغ متنفرم.^۸ هر چه می گویم حقیقت است و هیچ بدی و فریب در آن نیست.^۹ برای مردم دانا و فهمیده کاملاً روشن و آشکار است.^{۱۰} تعلیمات من با ارزشتر از نقره و علم من برتر از طلا است.^{۱۱} ارزش حکمت از جواهرات بیشتر است و هیچ چیزی در دنیا نیست که بتوانی با آن مقایسه کنی.

^{۱۲} حکمت و خردمندی دو یار موافق هستند.^{۱۳} اگر کسی به خداوند احترام داشته باشد، بدون شک از شرارت نفرت دارد، زیرا که حکمت از تکبر، غرور، فساد و هر نوع فریبکاری متنفر است.^{۱۴} من که حکمت هستم، شما را هدایت می کنم و به شما خردمندی می بخشم.^{۱۵} با کمک من پادشاهان سلطنت می کنند و فرمانروایان با نیروی من عادلانه فرمان می دهند.^{۱۶} تمام حکمرانان جهان با کمک من حکمرانی می کنند. مردمان شریف و فرمانداران از من کمک می گیرند.^{۱۷} کسانی که مرا دوست دارند، من هم آن ها را دوست دارم و هر که به جستجوی من باشد، حتماً مرا خواهد یافت.^{۱۸} ثروت و عزت، سعادت و موفقیت نزد من است.^{۱۹} بخشش های من، از طلای ناب بهتر و از نقره خالص گرانبهاتر است.^{۲۰} در راه حق قدم می بردارم و طریق انصاف را می پیمایم.^{۲۱} به کسانی که مرا دوست دارند ثروت می بخشم و انبارهای آن ها را پر می کنم.

^{۲۲} خداوند، در زمانهای خیلی قدیم، قبل از هر چیز مرا آفرید و من، اولین مخلوق خداوند هستم.^{۲۳} از ازل، پیش از آنکه جهان آفریده شود، من وجود داشتم.^{۲۴} قبل از آنکه اقیانوسها بوجود آیند، قبل از آنکه چشمه های آب بروی زمین جاری شوند، من وجود داشته ام.^{۲۵} قبل از آنکه کوهها خلق شوند، پیش از اینکه تپه ها بوجود آیند، من بدنیا آمدم.^{۲۶} قبل از اینکه خدا زمین و صحراها و حتی ذرات خاک زمین را خلق کند، من وجود داشتم.^{۲۷} وقتی که او آسمان را خلق می کرد و افق را بروی اقیانوسها می گسترانید، من آنجا بودم.^{۲۸} وقتی که او ابرها را در آسمان قرار می داد و چشمه ها را در اعماق زمین باز می کرد،^{۲۹} زمانی که حدود اقیانوسها را تعیین می کرد تا آنها از حدود خود تجاوز نکنند و زمانی که زمین را بنیاد می نهاد، من آنجا بودم.^{۳۰-۳۱} من مانند یک

معمار در حضور او و سرچشمه خوشی همیشگی او بودم. همه وقت در حضور او خوشحالی می کردم و از جهان و از مردمش خشنود بودم.

^{۳۲} حال ای پسران من، گوش کنید: آنچه می گویم انجام دهید تا خوشی تان کامل شود.
^{۳۳} به نصایح من توجه کنید. عاقل باشید و از آن ها سرپیچی ننمائید. ^{۳۴} کسانی که به سخنان من گوش می دهند، و کسانی که هر روز در مقابل خانه من می ایستند و بیرون دروازه، انتظار می کشند، خوشبخت هستند. ^{۳۵} کسی که مرا به دست می آورد، زندگی حقیقی را پیدا می کند و خداوند از او خشنود خواهد شد. ^{۳۶} کسی که مرا از دست می دهد، به خود صدمه می زند. کسی که از من نفرت دارد، مرگ را دوست می دارد.»

حکمت و حماقت

۹ ^۱ حکمت خانه ای برای خود ساخته است که دارای هفت ستون می باشد. ^۲ و ضیافت بزرگی ترتیب داده و انواع شراب را مهیا نموده دسترخوان خود را هموار کرده است.
^۳ کنیزان خود را به سر چهار راهی های شهر فرستاده است تا با صدای بلند فریاد کنند:
^۴ «ای مردم ساده دل و ای کسانی که عقل کامل ندارید، ^۵ بیائید و از غذای من بخورید و از شرابی که آماده نموده ام، بنوشید. ^۶ نادانی را ترک کنید و حکمت بیاموزید.»

^۷ اگر آدم فریبکار را که دیگران را مسخره می کند سرزنش کنی، به خودت توهین خواهد شد. و هر که مرد شیریری را ملامت کند، به خود صدمه خواهد زد. ^۸ هرگز شخص خودخواه را سرزنش مکن، زیرا او از تو نفرت خواهد کرد، اما اگر مرد دانایی را سرزنش کنی، به تو علاقه مند خواهد شد. ^۹ هر چه به شخص دانا بگویی، داناتر می شود، و هر چه به شخص درستکار بگویی، دانش او بیشتر خواهد شد.

^{۱۰} ترس خداوند، ابتدای حکمت است و شناختن آن قدوس، اصل دانش می باشد.
^{۱۱} زیرا آن دانش، عمر تو را طولانی می کند. ^{۱۲} اگر دانا هستی از دانائی خود نفع خواهی

برد و اگر حکمت را ناچیز بشماری به خودت زیان می‌رسانی.

^{۱۳} زن بدکار موجود بی‌حیا است و شهوت و بی‌شرمی او پایانی ندارد. ^{۱۴} بر دروازه‌خانه خود می‌نشیند و یا سر چهارراهی‌ها می‌ایستد. ^{۱۵} رهگذرانی را که در فکر کار خودشان هستند دعوت می‌کند. ^{۱۶} و می‌گوید: «ای مردم ساده‌دل، به اینجا بیایید» و به مردم نادان می‌گوید: ^{۱۷} «آب دزدی شیرین‌تر و نانی که در پنهانی خورده شود، خوشمزه‌تر است.» ^{۱۸} مردمی که فریب می‌خورند، نمی‌دانند کسی که به خانه آن زن برود، زندگی خود را از دست می‌دهد و کسانی که به خانه او رفته‌اند، اکنون در قعر جهنم می‌باشند.

امثال سلیمان

۱۰ اینها از سخنان سلیمان است:

^۱ پسر عاقل پدر خود را خوشحال می‌سازد، اما پسر احمق سبب اندوه مادر خود می‌شود.

^۲ ثروتی که از راه‌های نامشروع به دست آورده باشی برایت مفید نخواهد بود، اما امانت و صداقت زندگی تو را از نابودی نجات می‌دهد.

^۳ خداوند نمی‌گذارد که شخص صادق گرسنه بماند، ولی خواهش‌های شرارت‌آمیز مردم شیر را برآورده نمی‌سازد.

^۴ تنبلی تو را فقیر می‌سازد، اما کار و کوشش ترا ثروتمند می‌کند.

^۵ شخص عاقل هنگام تابستان آذوقه خود را ذخیره می‌کند، ولی کسی که در موقع درو بخوابد، شرمنده خواهد شد.

^۶ شخص نیکوکار برکت خواهد یافت، ولی سخنان مرد بدکار، ظلم و شرارت را پنهان می‌کند.

۷ مردم نیک خاطرۀ خوبی از خود بجا می‌گذارند، اما مردم شریر خیلی زود فراموش می‌شوند.

۸ شخص عاقل به نصیحت دیگران گوش می‌دهد، اما مردمی که حرف احمقانه می‌زنند، تلف خواهند شد.

۹ مردم صادق در امن و امان خواهند بود، ولی مردم خائن رسوا خواهند شد.

۱۰ کسی که حقیقت را پنهان کند، موجب بدبختی می‌شود، ولی کسی که آشکارا انتقاد کند، صلح و آرامش بوجود می‌آورد.

۱۱ سخنان مرد نیک چشمۀ حیات است. اما سخنان مرد شریر، ظلم و شرارت را پنهان می‌کند.

۱۲ کینه و نفرت موجب زحمت و دردسر می‌شود، اما محبت تقصیرات دیگران را نادیده می‌گیرد.

۱۳ مردم فهمیده حرف حکیمانه می‌زنند، ولی مردم نادان باید تنبیه شوند.

۱۴ مردم حکیم همیشه دنبال کسب علم و دانش هستند، اما سخنان مردم نادان مشکلات بار می‌آورند.

۱۵ اموال دولتمندان آن‌ها را محافظت می‌کند، اما تنگدستی مردم فقیر سبب نابودی آن‌ها می‌گردد.

۱۶ پاداش نیکوکاری آرامش و عاقبت شرارت هلاکت است.

۱۷ آنهایی که به پند و نصیحت دیگران گوش می‌دهند، نجات می‌یابند، اما کسانی که به اشتباهات خود اعتراف نمی‌کنند، گمراه می‌گردند.

۱۸ کسی که کینه و نفرت خود را مخفی می‌کند، دروغگو و کسی که شایعات بی اساس را منتشر می‌کند، احمق است.

۱۹ پُرگوئی موجب گناه می‌شود، اما مرد عاقل کسی است که سکوت اختیار می‌کند.

۲۰ سخنان مرد نیکو، مانند نقره خالص است، ولی افکار شیرین هیچ ارزش ندارد.

۲۱ سخنان مرد نیکو به عده زیادی فایده می‌رساند، اما سخنان احمق موجب نابودی خودش می‌شود.

۲۲ برکت خداوند بزرگترین ثروت ما است. تمام تلاش و زحمت ما چیزی به آن افزوده نمی‌تواند.

۲۳ لذت بردن از کارهای بد، کار احمقانه‌ای است. مردم عاقل از حکمت لذت می‌برند.

۲۴ مردم راستکار به آرزوهای خود می‌رسند، ولی مردم شریر دچار بلائی می‌شوند که از آن می‌ترسند.

۲۵ وقتی طوفان بیاید مردم شریر نابود می‌شوند، اما مردم راستکار همیشه در امان هستند.

۲۶ هرگز کار خود را به مردم تنبل نسپار، آن‌ها مثل سرکه برای دندان و مانند دود برای چشم زیان‌بخش هستند.

۲۷ خداوند را احترام کن تا عمرت دراز شود. مردم شریر عمر طولانی و پُر ثمر ندارند.

۲۸ امیدهای مرد نیک او را خوشحال می‌سازد، ولی مردم شریر هیچ امیدی ندارند.

۲۹ خداوند از مردم راستکار حمایت می‌کند، ولی شیرین را نابود می‌سازد.

۳۰ مردم نیک همیشه در امنیت بسر می‌برند، اما مردم شریر بر روی زمین زنده نخواهند ماند.

۳۱ مردم نیکوکار از روی حکمت صحبت می‌کنند، اما زبان شیرین بریده خواهد شد.

۳۲ مردم نیکوکار با مهربانی صحبت می‌کنند، اما سخنان شیرین همیشه موجب رنجش مردم است.

۱۱ خداوند از تقلب نفرت دارد، اما از صداقت خوشنود می‌گردد.

۲ مردم متکبر خیلی زود شرمند خواهند شد، اما مردم حکیم فروتن هستند.

۳ صداقتِ مرد راستکار راهنمای اوست، ولی مرد خیانتکار بوسیله ناراستی خود هلاک می‌شود.

۴ ثروت در هنگام مرگ هیچ فایده‌ای برای تو ندارد، ولی صداقت موجب نجات تو خواهد شد.

۵ صداقت، زندگی شخص صادق را آسانتر می‌سازد، اما مرد شریر از شرارت خود هلاک می‌شود.

۶ صداقت، مردم نیک را نجات می‌دهد، ولی خیانت‌های مرد شریر باعث دردسر او می‌شود.

۷ وقتی که مرد شریر می‌میرد، امیدها و آرزوهایش هم با او می‌میرند. اعتماد به ثروت نتیجه‌ای نخواهد داشت.

۸ مردم صادق از مشکلات آزاد می‌شوند و مردم شریر بجای آن‌ها گرفتار می‌گردند.

۹ سخنان مردم بی‌ایمان موجب هلاکت تو می‌گردد، ولی دانش مردم عاقل می‌تواند تو را نجات دهد.

۱۰ وقتی مردم صادق موفق می‌شوند، تمام مردم شهر خوشحال می‌گردند، و وقتی که شیرین می‌میرند، مردم از خوشحالی فریاد می‌زنند.

۱۱ دعای خیر مردم صادق، سبب رونق شهر می‌شود، ولی سخنان شیرین موجب نابودی شهر می‌گردد.

۱۲ تحقیر کردن دیگران، کار احمقانه‌ای است، اما شخص عاقل جلو زبان خود را می‌گیرد.

۱۳ سخن چین نمی‌تواند رازی را پیش خود نگهدارد، ولی می‌توانی به کسی که امین است، اعتماد کنی.

۱۴ ملت بدون رهبر سقوط می‌کند، ولی وجود مشاوران زیاد امنیت را در کشور تضمین می‌نماید.

۱۵ پیش از آنکه از کسی ضمانت کنی، باید او را کاملاً بشناسی. اگر او را کاملاً نمی‌شناسی، از قبول ضمانت او خودداری کن تا برایت دردسر ایجاد نکند.

۱۶ زنان مهربان و خیرخواه، احترام همه را جلب می‌کنند، اما اشخاص ظالم فقط در طلب ثروت هستند.

۱۷ مرد مهربان دوستداشتنی است و مرد ستمگر بخود صدمه می‌زند.

۱۸ مردم شیرین چیز با ارزشی به دست نمی‌آورند، ولی اگر صادق باشی، حتماً پاداش خوبی خواهی گرفت.

- ۱۹ مردم صادق از حیات برخوردار می‌شوند، ولی مردم شریر به سوی نابودی می‌روند.
- ۲۰ خداوند از اشخاص بیراه نفرت دارد، اما نیکوکاران را دوست می‌دارد.
- ۲۱ مطمئن باشید که مردم شریر مجازات می‌شوند، ولی اشخاص راستکار نجات می‌یابند.
- ۲۲ زیبایی زن بی‌سلیقه مثل حلقه طلا در بینیِ خوک است.
- ۲۳ مردم نیک می‌توانند در انتظار خوشبختی باشند، در حالیکه اشخاص شریر باید فقط در انتظار غضب خدا بسر ببرند.
- ۲۴ بعضی از مردم که پول خود را سخاوتمندانه خرج می‌کنند، دارائی آن‌ها بیشتر می‌شود، اما کسانی که خیلی خسیس هستند، هر روز فقیرتر می‌شوند.
- ۲۵ سخاوتمند باش تا دولتمند شوی. کسی که دیگران را سیرآب می‌کند، خودش هم سیرآب می‌شود.
- ۲۶ کسی که در غله خود احتکار می‌کند تا آن را گرانتر بفروشد، مردم او را لعنت می‌کنند. اما برای کسی که آن را در موقع احتیاج می‌فروشد، دعای خیر می‌کنند.
- ۲۷ اگر نیت تو خیر است، مردم بتو احترام می‌گذارند، ولی اگر دنبال شر می‌گردی، خودت به آن دچار می‌شوی.
- ۲۸ کسانی که بر ثروت خود اعتماد می‌نمایند، مانند برگهای خزان سقوط می‌کنند، اما مردمان صادق، مانند درخت سرسبزی شگوفه کرده میوه بار می‌آورند.
- ۲۹ مردم احمق که اهل خانه خود را می‌رنجانند، عاقبت هستی خود را از دست می‌دهند و خدمتگار افراد حکیم‌تری می‌شوند.

۳۰ مرد صادق، دیگران را نجات می دهد، ولی گناهکار، دیگران را هلاک می کند.

۳۱ مردم نیک حتی در همین دنیا ثمره اعمال خود را خواهند دید، اما مردم شریر و گناهکار بدون شک مجازات خواهند شد.

۱۲ اگر اشتباهات کسی را که عاقل است به او بگوئی، خوشحال می شود، اما احمق از انتقاد نفرت می کند.

۲ خداوند از مردم خیرخواه خوشنود است، اما کسانی را که نقشه های شیطانی می کشند، محکوم می کند.

۳ انسان از بدی کردن بجائی نمی رسد، اما مردم صادق موفق می شوند.

۴ زن پاکدامن مایه سرافرازی و خوشی شوهر خود می باشد، اما زنی که موجب شرمندگی شوهرش می شود، مانند سرطان استخوان است.

۵ سخنان شیرین موجب گرفتاری می شود، ولی افکار مردم نیک کاملاً درست و بجا است.

۶ حرفهای بدکاران مردم را به دام هلاکت می کشاند، اما سخنان نیکان مردم را رهائی می بخشد.

۷ مردم شریر هلاک می شوند و نسل آنها باقی نمی ماند، ولی مردم نیک پایدار می باشند.

۸ شخص عاقل مورد احترام همه است، اما مردم احمق خوار می شوند.

۹ کسی که خوار و حقیر باشد، ولی به اندازه کافی احتیاج او فراهم باشد، بهتر است از شخصی که خود را آدم بزرگی نشان بدهد، ولی نان شب را نداشته باشد.

۱۰ مرد نیک برای آسایش حیوانات خود هم فکر می‌کند، اما مردم شریر، محبت را نمی‌شناسند.

۱۱ دهقان پُرکار آذوقهٔ فراوان خواهد داشت، اما کسی که وقت خود را بیهوده تلف می‌کند، احمق است.

۱۲ تنها چیزی که مردم شریر می‌خواهند، این است که کارهای ظالمانه انجام دهند، اما کارهای مردم نیک نتایج خوبی خواهد داشت.

۱۳ مردم شریر بوسیله حرفهای خود گرفتار می‌شوند، اما مرد عادل از گرفتاری نجات می‌یابد.

۱۴ اجر و پاداش هرکس مربوط به حرفهایی است که می‌زند و کارهایی که انجام می‌دهد. هر چه بکاری همان را درو می‌کنی.

۱۵ مردم احمق خیال می‌کنند که همه چیز را خوب می‌دانند، اما مردم عاقل به نصایح دیگران توجه می‌کنند.

۱۶ احمق خشم خود را فوراً ظاهر می‌کند، اما مردم عاقل بی‌احترامی و توهین را نادیده می‌گیرند.

۱۷ وقتی که حقیقت را می‌گوئید، عدالت انجام می‌شود، ولی دروغ عدالت را زیر پا می‌گذارد.

۱۸ سخنی که از روی نادانی گفته شود، مثل شمشیر تیز قلب انسان را جریحه‌دار می‌کند، اما سخنان عاقلان دل را شفا می‌بخشد.

۱۹ عمر دروغ کوتاه است، اما راستی تا ابد پایدار می‌ماند.

۲۰ توطئه‌گران افکار شیطانی دارند، اما دل کسانی که افکار خوب دارند، خوشحال می‌شود.

۲۱ برای مردم صادق واقعهٔ بد رخ نمی‌دهد، اما شیرین همیشه در زحمت هستند.

۲۲ خداوند از دروغگو متنفر است، اما از مردم صادق خوشود است.

۲۳ مرد حکیم، دانش خود را آشکار نمی‌کند، اما احمق فوراً نادانی خود را ظاهر می‌سازد.

۲۴ سعی و کوشش ترا به قدرت می‌رساند، اما تبلی تو را غلام دیگران می‌سازد.

۲۵ دل پریشان، خوشی را از بین می‌برد، ولی حرفهای خوب دل را شاد می‌سازد.

۲۶ مردم صادق، راهنمای دوستان خود هستند، اما شیرین مردم را گمراه می‌کنند.

۲۷ مردم تنبل در سعی و تلاش خود موفق نمی‌شوند، اما اشخاص زحمتکش به دولت می‌رسند.

۲۸ راه راستی و عدالت به حیات منتهی می‌شود و راه بدکاران بسوی مرگ و نابودی می‌رود.

۱۳^۱ فرزند عاقل تأدیب پدر خود را می‌پذیرد، اما شخص خودخواه از پذیرفتن آن امتناع می‌کند.

۲^۲ شخص نیک بخاطر اعمال نیک خود پاداش می‌گیرد، ولی شخص بداندیش فقط تشنهٔ ظلم است.

^۳ هر که زبان خود را نگهدارد، جان خود را حفظ می‌کند، اما کسیکه ناسنجیده سخن بگوید، خود را هلاک می‌سازد.

^۴ آدم تنبل آنچه را که آرزو می‌کند، به دست نمی‌آورد، اما شخص زحمتکش کامیاب می‌شود.

^۵ شخص راستکار از دروغ گفتن نفرت دارد، اما آدم شریر رسوا و خوار می‌شود.

^۶ صداقت مردم راستکار، آن‌ها را حفظ می‌کند، ولی شرارت اشخاص بدکار، آن‌ها را به نابودی می‌کشاند.

^۷ بعضی اشخاص، در حالیکه چیزی ندارند، وانمود می‌کنند که ثروتمند هستند، کسانی هم هستند که خود را فقیر نشان می‌دهند، اما صاحب ثروت هنگامی می‌باشند.

^۸ ثروت شخص پولدار صرف حفاظت جان او می‌شود، ولی جان آدم فقیر را خطری تهدید نمی‌کند.

^۹ زندگی شخص نیک مانند چراغ نورانی می‌درخشد، اما زندگی گناهکاران مثل چراغی است که در حال خاموشی می‌باشد.

^{۱۰} تکبر باعث نزاع می‌شود، ولی شخص دانا نصیحت را می‌پذیرد.

^{۱۱} ثروتی که به آسانی به دست بیاید، بزودی از بین می‌رود، اما دارائی‌ای که با کار و کوشش جمع می‌شود، بتدریج زیاد می‌گردد.

^{۱۲} آرزویی که انجام آن به تعویق افتاده باشد، دل را بیمار می‌کند، اما مرادی که برآورده می‌شود، خوشی و حیات می‌بخشد.

^{۱۳} هر که نصیحت را خوار شمارد، بی‌سزا نمی‌ماند، اما کسی که از آن پیروی می‌کند،

پاداش می یابد.

^{۱۴} تعلیم مرد دانا چشمهٔ حیات است و انسان را از دامهای مرگ می رهاند.

^{۱۵} دانائی انسان را محترم می سازد، ولی نتیجهٔ خیانت هلاکت است.

^{۱۶} آدم دانا سنجیده عمل می کند، اما شخص نادان حماقت خود را نشان می دهد.

^{۱۷} قاصدی که مورد اعتماد نباشد، باعث گرفتاری می شود، اما پیام آور صادق موجب آرامش می گردد.

^{۱۸} فقر و رسوائی دامنگیر کسی می شود که تأدیب را نمی پذیرد، ولی شخصی که آن را قبول می کند، محترم می شود.

^{۱۹} نیل به آرزو لذت بخش است، اما اشخاص نادان در پی آرزوهای پلید خود هستند و نمی خواهند از آن ها دست بردارند.

^{۲۰} با اشخاص دانا معاشرت کن و دانا خواهی شد، با مردم احمق همنشین شو و زیان خواهی دید.

^{۲۱} بلا دامنگیر گناهکاران می شود، اما چیزهای خوب نصیب مردم نیک می گردد.

^{۲۲} شخص نیک حتی برای نواسه های خود میراث بجا می گذارد، اما ثروتی را که گناهکاران اندوخته اند، به مردم راستکار می رسد.

^{۲۳} زمین شخص فقیر ممکن است محصول فراوان بدهد، ولی مردم ظالم آن را از او می ربایند.

^{۲۴} کسی که فرزند خود را تنبیه نمی کند، او را دوست ندارد، اما کسی که فرزند خود را

دوست دارد، از تأدیب او کوتاهی نمی‌کند.

^{۲۵} شخص راستکار از خوراکی که دارد، می‌خورد و سیر می‌شود، ولی آدم بدکار گرسنگی می‌کشد.

۱۴ ^۱ زن دانا خانه خود را آباد می‌کند، اما زن نادان با دست خود خانه خود را خراب می‌سازد.

^۲ کسانی که با صداقت رفتار می‌نمایند، از خداوند می‌ترسند، ولی اشخاص بدکار او را تحقیر می‌کنند.

^۳ پُرحرفی شخص احمق را به زحمت می‌اندازد، اما سخنان مرد دانا او را محافظت می‌کند.

^۴ اگر گاو نباشد، انبار از غله خالی می‌ماند، با نیرو و قوت گاو محصول فراوان به دست می‌آید.

^۵ شاهد امین دروغ نمی‌گوید، اما از دهان شاهد غلط دروغ می‌بارد.

^۶ کسی که همه چیز را مسخره می‌کند، هرگز نمی‌تواند، حکمت را بیابد، ولی شخص فهیم به آسانی آن را به دست می‌آورد.

^۷ از مردم احمق دوری کن، زیرا چیزی ندارند که به تو یاد بدهند.

^۸ حکمتِ شخص عاقل راهنمای او است، اما حماقتِ افراد احمق باعث گمراهی آنها می‌شود.

^۹ آدم‌های احمق از گناه کردن دست نمی‌کشند، اما اشخاص راستکار رضامندی خدا را

می خواهند.

^{۱۰} تنها دل انسان است که تلخی او را احساس می کند و در خوشی او نیز کسی جز خودش نمی تواند شریک باشد.

^{۱۱} خانه مردم بدکار خراب می شود، اما خیمه راستکاران وسعت می یابد.

^{۱۲} راهی را که فکر می کنی راست است، ممکن است به مرگ منتهی شود.

^{۱۳} خنده می تواند اندوه را پنهان کند، اما هنگامی که خنده تمام شود، درد و اندوه بر جای خود باقی می ماند.

^{۱۴} آدم خدانشناس نتیجه کار خود را می بیند و شخص نیک از ثمره اعمال خود بهره می گیرد.

^{۱۵} آدم جاهل هر حرفی را باور می کند، اما شخص عاقل سنجیده رفتار می نماید.

^{۱۶} شخص دانا محتاط است و از خطر دوری می کند، ولی آدم نادان از روی غرور خود را به خطر می اندازد.

^{۱۷} شخص تندخو کارهای احمقانه می کند و آدم حيله گر مورد نفرت قرار می گیرد.

^{۱۸} حماقت نصیب جاهلان می شود و حکمت نصیب عاقلان.

^{۱۹} مردم بدکار عاقبت در برابر اشخاص نیک سر تعظیم فرود می آورند و محتاج آنها می شوند.

^{۲۰} ثروتمندان دوستان زیاد دارند، اما شخص فقیر را حتی همسایه هایش تحقیر می کنند.

۲۱ تحقیر کردن اشخاص فقیر گناه است. خوشا بحال کسی که بر آن‌ها ترحم کند.

۲۲ کسانی که نقشه‌های پلید در سر می‌پرورانند، گمراه می‌شوند، اما آنهایی که نیت خوب دارند، مورد محبت و اعتماد قرار می‌گیرند.

۲۳ کسی که زحمت می‌کشد، منفعت عایدش می‌شود، اما شخصی که فقط حرف می‌زند، فقیر می‌گردد.

۲۴ ثروت نصیب مردم دانا می‌شود، اما پاداش اشخاص احمق حماقت آن‌ها است.

۲۵ شاهد راستگو جان مردم را نجات می‌دهد، اما شاهد دروغگو به مردم خیانت می‌کند.

۲۶ کسی که از خداوند می‌ترسد، تکیه‌گاه مستحکمی دارد و فرزندانش در امان می‌باشند.

۲۷ خدا ترسی چشمهٔ حیات است و انسان را از دامهای مرگ دور نگاه می‌دارد.

۲۸ عظمت یک پادشاه مربوط به تعداد مردمی است که بر آن‌ها حکومت می‌کند. پادشاه بدون رعیت نابود می‌شود.

۲۹ کسی که صبر و حوصله دارد، شخص بسیار عاقلی است، اما از آدم تندخو حماقت سرمی‌زند.

۳۰ آرامش فکری به بدن سلامتی می‌بخشد، ولی حسادت استخوان را پوسیده می‌سازد.

۳۱ کسی که به فقرا ظلم می‌کند به آفرینندهٔ آن‌ها اهانت کرده است و هر که به مردم مسکین ترحم می‌نماید، به خدا احترام داشته است.

۳۲ مردم خداشناس وقتی بمیرند، پناهگاهی می‌داشته باشند، اما گناهکاران بوسیلهٔ گناهان خود شان تباه می‌شوند.

^{۳۳} اشخاص فهمیده حکمت را در خود حفظ می‌کنند، ولی آدم‌های نادان از حکمت بهره‌ای ندارند.

^{۳۴} صداقت مایهٔ سرفرازی یک قوم است و گناه باعث رسوائی آن.

^{۳۵} پادشاه از خدمتگزاران دانا و کاردان خوشنود می‌شود، اما کسانی که بی‌شرمانه عمل می‌کنند، مورد غضب او قرار می‌گیرند.

۱۵ ^۱ جواب نرم خشم را فرومی‌نشانند، اما جواب سخت، خشم را برمی‌انگیزاند.

^۲ از زبان مرد دانا حکمت می‌چکد، ولی از دهان شخص نادان حماقت بیرون می‌آید.

^۳ خداوند همه جا را زیر نظر دارد و ناظر اعمال مردمان نیک و بد است.

^۴ سخنان خوب حیات می‌بخشند، اما حرف‌های بد باعث دلشکستگی می‌شود.

^۵ شخص نادان نصیحت پدر خود را بی‌اهمیت می‌شمارد، ولی فرزند عاقل تأدیب پدر خود را می‌پذیرد.

^۶ خانهٔ شخص صادق از ثروت پُر است، اما دسترنج مردم بدکار برای آن‌ها تلخکامی بیار می‌آورد.

^۷ معرفت توسط اشخاص دانا منتشر می‌شود نه بوسیلهٔ مردم احمق که در آن‌ها راستی نیست.

^۸ خداوند از قربانی‌های مردم بدکار متنفر است، اما از دعای راستکاران خوشنود می‌شود.

- ۹ خداوند از اعمال بدکاران متنفر است، اما پیروان راستی را دوست می‌دارد.
- ۱۰ کسانی که راه راست را ترک گفته‌اند، مجازات سختی در انتظار آنها است، و اگر نخواهند که تأدیب و اصلاح شوند، خواهند مُرد.
- ۱۱ حتی دنیای مردگان از نظر خدا پنهان نیست، پس آیا انسان می‌تواند افکار خود را از او پنهان کند؟
- ۱۲ کسی که کارش مسخره کردن است، از نزدیک شدن به اشخاص دانا خودداری می‌کند، زیرا دوست ندارد که سرزنش آنها را بشنود.
- ۱۳ دل شاد، چهره را شاداب می‌سازد، اما دلِ غمگین، روح را افسرده می‌کند.
- ۱۴ شخص عاقل تشنهٔ معرفت است، اما مرد نادان خود را با حماقت سیر می‌کند.
- ۱۵ زندگی برای شخص فقیر سراسر زحمت است، همه چیز به نظرش بد می‌آید، اما اگر دلش شاد باشد، از زندگی لذت می‌برد.
- ۱۶ دارائی کم همراه با خداترسی بهتر است از ثروت هنگفت با اضطراب و تشویش.
- ۱۷ خوردن نان خشک با کسانی که ترا دوست دارند، بهتر است از خوردن غذای شاهانه با آنهایی که از تو نفرت دارند.
- ۱۸ شخص تندخو نزاع برپا می‌کند، ولی مرد صبور دعوا را فرومی‌نشاند.
- ۱۹ راه شخص تنبل با خار پوشیده است، اما راه آدم راستکار هموار است.
- ۲۰ فرزند دانا پدر خود را خوشحال می‌سازد، اما فرزند احمق مادر خود را تحقیر می‌کند.

۲۱ آدم احمق از کارهای احمقانه لذت می‌برد، اما شخص دانا از راه راست منحرف نمی‌شود.

۲۲ نقشه‌ای که بدون مشورت کشیده شود، با شکست مواجه می‌گردد، اما مشورت زیاد باعث موفقیت می‌شود.

۲۳ انسان وقتی جواب درست می‌دهد، از آن لذت می‌برد. چقدر خوب است سخنی که بجا گفته شود!

۲۴ راه مردم دانا بسوی حیات بالا می‌رود و آن‌ها را از سقوط در جهنم بازمی‌دارد.

۲۵ خداوند خانهٔ مردم متکبر را ویران می‌کند، اما از دارائی بیوه زنان حفاظت می‌نماید.

۲۶ خداوند از نقشه‌های پلید متنفر است، ولی افکار پاک را می‌پسندد.

۲۷ کسی که دنبال سود نامشروع می‌رود، به خانوادهٔ خود لطمه می‌زند، اما کسی که از رشوت نفرت دارد، زندگی خوبی خواهد داشت.

۲۸ آدم خوب پیش از جواب دادن فکر می‌کند، اما شخص بد زود جواب می‌دهد و مشکلات بیار می‌آورد.

۲۹ خداوند از مردم بدکار دور است، ولی دعای اشخاص نیک را می‌شنود.

۳۰ دیدن روی شاد و خندان و شنیدن خبر خوش به انسان خوشی و سلامتی می‌بخشد.

۳۱ کسی که انتقادهای اصلاح‌کننده را قبول کند، در جملهٔ مردم دانا بشمار می‌رود.

۳۲ کسی که تأدیب را نپذیرد، خود را حقیر می‌سازد، ولی هر که آن را بپذیرد، دانائی کسب می‌کند.

^{۳۳} خدا ترسی به انسان حکمت می آموزد و فروتنی برای او عزت و احترام ببار می آورد.

۱۶ ^۱ انسان نقشه های زیادی می کشد، اما نتیجه نهائی آن ها در دست خدا است.

^۲ تمام کارهای انسان بنظر خودش درست است، ولی انگیزه ها را خداوند می بیند.

^۳ نقشه های خود را به دست خداوند بسپار، آنگاه در کارهایت موفق خواهی شد.

^۴ خداوند برای هر چیزی سرنوشتی تعیین کرده است و سرنوشت مردم بدکار تباهی است.

^۵ خداوند از اشخاص متکبر نفرت دارد و هرگز اجازه نمی دهد که آن ها از مجازات او فرار کنند.

^۶ مهر و وفا داشته باش، خدا گناهت را می بخشد. از خداوند بترس و بدی به تو نمی رسد.

^۷ وقتی کسی خدا را خوشنود می سازد، خدا کاری می کند که حتی دشمنان آن شخص هم با او آشتی و مصالحه نمایند.

^۸ مال کم که از راه صحیح به دست آمده باشد، بهتر است از ثروت هنگفتی که از راه غلط فراهم شده باشد.

^۹ انسان در فکر خود نقشه ها می کشد، اما خدا او را در انجام آن ها هدایت می کند.

^{۱۰} فرمان پادشاه مانند وحی قاطع است، پس او نباید در قضاوت اشتباه کند.

^{۱۱} خداوند می خواهد که در معاملات تان از ترازو و اوزان درست استفاده کنید. این اصل را خداوند برقرار کرده است.

^{۱۲} پادشاهان نباید ظلم کنند، زیرا تخت سلطنت بر اساس عدالت استوار می ماند.

۱۳ پادشاهان، اشخاص راستگو را دوست دارند و از وجود آن‌ها خوشنود می‌شوند.

۱۴ خشم پادشاه پیام‌آور مرگ است، اما مرد عاقل آن را فرومی‌نشاند.

۱۵ خوشی و رضایت پادشاه مانند ابر بهاری است که حیات به ارمغان می‌آورد.

۱۶ کسب حکمت بهتر است از اندوختن طلا و نقره.

۱۷ راه مردم خداشناس دور از هر نوع بدی است و هر که در این راه قدم بردارد، جان خود را حفظ خواهد کرد.

۱۸ نتیجهٔ غرور هلاکت است و تکبر به سقوط می‌انجامد.

۱۹ بهتر است انسان متواضع باشد و با مردم ستم‌دیده بنشیند از اینکه با اشخاص متکبر باشد و در غنایم آن‌ها شریک شود.

۲۰ آنهایی که از کلام خدا اطاعت می‌کنند، سعادت‌مند می‌شوند و کسانی که بر او توکل نمایند، برکت می‌یابند.

۲۱ مرد دانا را از روی فهمش می‌شناسند و سخنان دلنشین او تأثیر زیادی دارند.

۲۲ حکمت برای کسانی که از آن برخوردارند، چشمهٔ حیات است، ولی حماقت برای مردم نادان مجازات بیار می‌آورد.

۲۳ سخنان شخص دانا عاقلانه است و تعالیمی که او می‌دهد، مؤثر می‌باشد.

۲۴ سخنان محبت‌آمیز مثل عسل شیرین است و شفای بدن انسان می‌باشد.

۲۵ راههایی هستند که بنظر انسان راست می‌آیند، اما عاقبت به مرگ منتهی می‌شوند.

^{۲۶} گرسنگی خوب است، زیرا ترا وادار می‌سازد تا برای رفع آن کار کنی.

^{۲۷} آدم بدکار نقشه‌های پلید می‌کشد و شرارت لبه‌ایش مثل آتش سوزنده است.

^{۲۸} شخص بدانندیش نزاع برپا می‌کند و آدم سخن‌چین بهترین دوستان خود را از هم جدا می‌سازد.

^{۲۹} شخص ظالم همسایه خود را فریب می‌دهد و او را به راه غلط می‌کشاند.

^{۳۰} چشمان خود را می‌بندد تا دروغ را اختراع نماید و لبهای خود را حرکت می‌دهد تا شرارت را انجام دهد.

^{۳۱} عمر طولانی هدیه‌ای است که به مردم نیک داده می‌شود و موی سفید تاج جمال آنها است.

^{۳۲} صبر از قدرت بهتر است و شخصی که بر نفس خود اراده دارد از کسی که شهر را تسخیر نماید برتر است.

^{۳۳} انسان قرعه می‌اندازد، اما حکم آن را خدا تعیین می‌کند.

۱۷ ^۱ خوردن نان خشک در آرامش بهتر است از خوردن غذای شاهانه در خانه‌ای که در آن جنگ و دعوا باشد.

^۲ غلام دانا بر پسر شرور آقای خود تسلط خواهد یافت و در ارثی که به او می‌رسد، شریک خواهد شد.

^۳ طلا و نقره را آتش می‌آزماید و دل انسان را خدا.

۴ آدم بدکار از همنشینی با مردم بد لذت می‌برد و مرد دروغگو از همنشینی با اشخاص دروغگو.

۵ مسخره کردن مردم فقیر به منزلهٔ مسخره کردن خدائی است که آن‌ها را آفریده است. کسانی که از غم و بدبختی دیگران خوشحال می‌شوند، بی‌سزا نخواهند ماند.

۶ تاج افتخار اشخاص پیر، نواسه‌های شان می‌باشند و تاج افتخار فرزندان، والدین شان.

۷ شخص نجیب هرگز دروغ نمی‌گوید و آدم احمق هرگز حرف با منطق بر زبان نمی‌آورد.

۸ بعضی مردم به این فکر هستند که رشوه معجزه می‌کند و آن‌ها را در هر کاری موفق می‌سازد.

۹ کسی که تقصیر دیگران را می‌پوشاند، محبت ایجاد می‌کند، اما شخصی که آنرا آشکار می‌سازد، باعث جدائی دوستان می‌گردد.

۱۰ تأثیر یک ملامت به شخص فهیم بیشتر است از صد ضربهٔ تازیانه به آدم احمق.

۱۱ مردم بدکار فقط در فکر تمرد هستند، بنابراین، بشدت مجازات خواهند شد.

۱۲ روبرو شدن با ماده خرسی که چوچه‌هایش را از او گرفته‌اند، بهتر است از روبرو شدن با شخص نادانی که گرفتار حماقت شده است.

۱۳ اگر خوبی را با بدی تلافی کنی، بلا از خانه‌ات دور نخواهد شد.

۱۴ شروع کردن دعوا مانند ایجادِ رخنه در سد آب است، به جر و بحث خاتمه بده پیش از آنکه به دعوا منجر شود.

۱۵ خداوند از کسانی که بیگناه را محکوم و گناهکار را تبرئه می‌کند، متنفر است.

۱۶ صرف پول برای آموزش شخص احمق بیفایده است، زیرا او طالب حکمت نیست.

۱۷ دوست واقعی در هر موقعیتی محبت می‌کند و اقارب برای کمک در هنگام مشکلات، تولد یافته‌اند.

۱۸ تنها شخص بی‌عقل است که ضامن شخص دیگری می‌شود.

۱۹ شخص ستیزه‌جو گناه را دوست دارد و آدم بلند پرواز خرابی بیمار می‌آورد.

۲۰ شخص بداندیش کامیاب نخواهد شد و آدم فریبکار در دام بلا گرفتار خواهد گردید.

۲۱ فرزند احمق مایهٔ غم و غصهٔ والدین خود می‌باشد.

۲۲ خوشی دل مانند دوا شفابخش است، اما روح پژمرده انسان را بیمار می‌کند.

۲۳ آدم بدکار پنهانی رشوه می‌گیرد و مانع اجرای عدالت می‌شود.

۲۴ هدف مردم عاقل تحصیل حکمت است، اما شخص جاهل در زندگی هیچ هدفی ندارد.

۲۵ فرزند احمق مایهٔ غم و اندوه پدر و تلخکامی مادر است.

۲۶ مجازات کردن اشخاص بیگناه و جزا دادن مردم نجیب بخاطر صداقت شان کار درستی نیست.

۲۷ شخص دانا کم حرف می‌زند و آدم عاقل آرام و صبور است.

۲۸ حتی شخص احمق هم اگر خاموش باشد و حرف نزند، او را دانا و فهمیده می‌شمارند.

۱۸ آدم خودخواه با دیگران آمیزش نمی‌کند و با هر حکمت صحیح مخالفت می‌ورزد.

۲ شخص احمق برای حکمت ارزش قائل نیست و فقط دوست دارد که خود را دانا نشان بدهد.

۳ وقتی شرارت می‌آید، ننگ و رسوائی هم می‌آید و توهین خجالت را همراه دارد.

۴ سخنان دهان انسان مانند آب عمیق است و چشمهٔ حکمت، نهر جاری است.

۵ طرفداری از شخص مجرمی که حق بیگناهی را پایمال می‌کند، کار درستی نیست.

۶ حرف‌های آدم احمق منجر به نزاع و لت و کوب او می‌شود.

۷ سخنان شخص احمق مانند دامی است که او را به هلاکت می‌کشاند.

۸ حرف‌های آدم سخن‌چین مثل لقمه‌های لذیذی است که با لذت فروبرده می‌شود.

۹ کسی که در کار خود تنبلی می‌کند، مانند یک خرابکار، مخرب است.

۱۰ نام خداوند همچون قلعه‌ای است مستحکم که شخص راستکار به آن پناه می‌برد و در امان می‌ماند.

۱۱ اما پناهگاه ثروتمندان، ثروت شان است که گمان می‌کنند آن‌ها را محافظت خواهد کرد.

۱۲ تکبر به سقوط منجر می‌شود و فروتنی به سرفرازی.

۱۳ چقدر زشت و احمقانه است که اگر انسان پیش از گوش دادن به سخنی، به آن جواب

بدهد.

۱۴ اگر انسان روحیه قوی داشته باشد، بیماری را تحمل می کند، اما روحیه شکسته را چه کسی می تواند تحمل کند؟

۱۵ اشخاص دانا همیشه مشتاق و آماده کسب حکمت اند.

۱۶ هدیه دادن راه را برای انسان باز می کند و او را بحضور اشخاص مهم می رساند.

۱۷ دلایل کسی که در محکمه اول صحبت می کند، بنظر درست می آیند، اما تا زمانی است که طرف مقابل هنوز دلایل خود را ارائه نکرده باشد.

۱۸ قرعه کشی، به دعوا خاتمه می دهد و منازعه بین حریفان زورمند را خاموش می سازد.

۱۹ به دست آوردن دل اقارب رنجدیده، سخت تر از تصرف یک شهر مستحکم است. خصومت بین آنها دیوار جدائی ایجاد می کند.

۲۰ انسان نتیجه حرفهائی را که می زند، خواهد دید.

۲۱ حرف زیانت می تواند حیات ترا حفظ کند یا آن را برباد دهد، بنابراین، عواقب حرف های خود را خواهی دید.

۲۲ وقتی مردی همسری می یابد، نعمتی را به دست می آورد. آن زن برای او برکتی است از جانب خداوند.

۲۳ درخواست فقرا با التماس توأم است و جواب ثروتمندان با خشونت.

۲۴ بسیاری از دوستی ها پایدار نمی مانند، اما دوستانی هم هستند که از خویشاوندان نزدیکتر می باشند.

۱۹^۱ بهتر است انسان فقیر باشد و با صداقت زندگی کند، از اینکه یک دروغگوی احمق باشد.

۲ داشتن دل و جرأت بدون حکمت بی‌فایده است و عجله باعث اشتباه می‌شود.

۳ انسان با حماقت خود زندگی خود را تباه می‌کند و بعد گناه را به گردن خداوند می‌اندازد.

۴ شخص ثروتمند دوستان بسیار پیدا می‌کند، اما دوستان آدم فقیر از او جدا می‌شوند.

۵ شاهد دروغگو بی‌جزا نمی‌ماند و کسی که به دروغ سخن گوید، جان سالم بدر نخواهد برد.

۶ مردم خوش دارند که پیش بزرگان شیرین‌زبانی کنند و با کسانی دوست شوند که سخاوت و بخشش می‌کنند.

۷ وقتی انسان فقیر شود، حتی خویشاوندانش او را ترک می‌کنند، چه رسد به دوستانش، و کوشش او برای بازیافتن آن‌ها بجائی نمی‌رسد.

۸ هر که در تلاش حکمت است، جان خود را دوست دارد و هر کسی که برای حکمت ارزش قایل شود، سعادت‌مند خواهد شد.

۹ شاهد دروغگو بی‌سزا نمی‌ماند و کسی که همیشه دروغ می‌گوید، هلاک خواهد شد.

۱۰ شایسته نیست که شخص احمق در ناز و نعمت بسربرد و یا یک غلام بر امیران حکومت کند.

۱۱ کسی که خشم خود را فرومی‌نشاند، عاقل است و آنکه از گناهان دیگران چشم می‌پوشد، سرفراز خواهد شد.

۱۲ غضب پادشاه مانند غرش شیر است، اما خوشنودی او مثل شبمی است که بر سبزه می بارد.

۱۳ فرزند نادان بلای جان پدر خود است و غرغره‌های زن بهانه‌گیر مثل قطرات آبی است که دایم در حال چکیدن می باشد.

۱۴ خانه و ثروت از اجداد به ارث می رسد، اما زن عاقل هدیه خداوند است.

۱۵ کسی که تنبل است و زیاد می خوابد، گرسنه می ماند.

۱۶ از احکام خدا پیروی کن تا زنده بمانی، زیرا هر کسی که آن‌ها را ناچیز شمارد، خواهد مُرد.

۱۷ وقتی به یک فقیر کمک می کنی، مثل این است که به خداوند قرض می دهی و خداوند است که قرض ترا ادا می کند.

۱۸ فرزند خود را تا که دیر نشده تربیه کن؛ اگر غفلت نمائی، زندگی او را تباه خواهی کرد.

۱۹ اگر کسی تندخوئی کند، بگذار که عاقبتش را ببیند، زیرا در غیر آن او به تندخوئی خود ادامه خواهد داد.

۲۰ اگر به پند و نصیحت گوش دهی، تا آخر عمر از حکمت برخوردار خواهی بود.

۲۱ انسان نقشه‌های زیادی در سر می پروراند، اما نقشه‌هایی که مطابق با خواست خدا باشد، اجراء خواهند شد.

۲۲ مهر و وفا زینت انسان است. بهتر است که انسان فقیر باشد نه دروغگو.

۲۳ خداترسی به انسان حیات می‌بخشد و او را کامیاب ساخته از هر بلائی محفوظ می‌دارد.

۲۴ آدم تنبل دست خود را بسوی بشقاب دراز می‌کند، اما از فرط تنبلی لقمه را به دهان خود نمی‌گذارد.

۲۵ شخص مسخره‌کننده را سرزنش کن تا مایه عبرت جاهلان شود. اشتباهات شخص فهمیده را به او نشان بده تا فهمیده‌تر گردد.

۲۶ هر کسی که با پدر خود رفتار بد می‌کند و مادر خود را از خانه بیرون می‌راند، ننگ و رسوائی بار می‌آورد.

۲۷ فرزندم، اگر از تعلیم دست بکشی، به معرفت نمی‌رسی.

۲۸ شاهد پست و فرومایه عدالت را ببازی می‌گیرد و از گناه کردن لذت می‌برد.

۲۹ مردم مسخره‌کننده و اشخاص احمق مجازات خواهند شد.

۲۰^۱ شراب انسان را به کارهای احمقانه وامی‌دارد و مشروب باعث جنگ و دعوا می‌شود. کسانی که خود را به مشروب معتاد می‌کنند، احمق‌اند.

۲ غضب پادشاه مثل غرش شیر است. هر کسی که خشم او را برانگیزاند، جان خود را به خطر می‌اندازد.

۳ اجتناب از نزاع برای انسان عزت می‌آورد. فقط آدم‌های احمق هستند که نزاع برپا می‌کنند.

۴ شخص تنبل به موقع زمین خود را قلبه نمی‌کند، بنابراین، در هنگام برداشت محصول

هر چه می‌پالد، چیزی نمی‌یابد.

^۵ نیت انسان در عمق دل مشورت‌دهنده مانند آب در ته چاه است و شخص عاقل آن را بیرون می‌کشد.

^۶ بسا اشخاص ادعا می‌کنند که باوفا هستند، اما چه کسی می‌تواند شخصی را پیدا کند که واقعاً باوفا باشد؟

^۷ فرزندان شخص صادق و راستکار در زندگی سعادت‌مند خواهند شد.

^۸ پادشاهی که بر مسند قضاوت می‌نشیند، بدقت جوانب امر را می‌سنجد و حق را از باطل تشخیص می‌دهد.

^۹ چه کسی می‌تواند بگوید که او دل خود را پاک نگهداشته است و از گناه مبرا می‌باشد؟

^{۱۰} خداوند از کسانی که در معامله از اوزان و پیمانه‌های تقلبی استفاده می‌کنند، متنفر است.

^{۱۱} حتی کودکی را می‌توان از طرز رفتارش شناخت و فهمید که آنچه را انجام می‌دهد، پاک و راست است یا نه.

^{۱۲} گوش شنوا و چشم بینا، هر دو عطیه خداوند هستند.

^{۱۳} اگر خواب را دوست داشته باشی فقیر می‌گردی؛ پس بیدار باش تا سیر شوی.

^{۱۴} خریدار به جنس می‌نگرد و می‌گوید: «بد است!» اما وقتی آن را خرید، از آن تعریف می‌کند.

^{۱۵} سخنان حکیمانه گرانبهارتر از طلا و نادرتر از جواهر است.

- ۱۶ از کسی که پیش تو ضامن شخص بیگانه می‌شود، گرو بگیر.
- ۱۷ نانی که از راه فریبکاری به دست می‌آید، لذیذ است، اما سرانجام کام را تلخ می‌کند.
- ۱۸ نقشه‌هایت را بدون مشورت با دیگران عملی نکن و بدون تدبیر به جنگ نرو.
- ۱۹ شخص سخن چین رازها را فاش می‌کند، پس با چنین شخصی معاشرت نکن.
- ۲۰ چراغ زندگی کسی که والدین خود را لعنت کند، خاموش خواهد شد.
- ۲۱ مالی که به آسانی به دست آمده باشد، برکتی نخواهد داشت.
- ۲۲ بدی را با بدی تلافی نکن، بلکه منتظر باش تا خداوند کاری کند.
- ۲۳ خداوند از اشخاصی که در معامله از ترازو و اوزان تقلبی کار می‌گیرند، متنفر است.
- ۲۴ خداوند راه زندگی ما را تعیین می‌کند، پس انسان چگونه می‌تواند بفهمد که راه زندگی او به کجا خاتمه می‌یابد؟
- ۲۵ هرگز ناسنجیده قولی به خدا مده، زیرا ممکن است گرفتار شوی.
- ۲۶ پادشاه دانا مردم بدکار را تشخیص می‌دهد و آن‌ها را شدیداً مجازات می‌کند.
- ۲۷ وجدان انسان به منزله چراغ خداوند است که تمام رازهای پنهانی او را آشکار می‌سازد.
- ۲۸ اگر پادشاه مهربان و راستکار باشد، سلطنتش پایدار می‌ماند.
- ۲۹ جلال و شکوه جوانان، قوت آن‌ها است و عزت پیران موی سفید آن‌ها.

۳۰ تجربه‌های تلخ، از بدی پاک می‌کند و عمق دل را طاهر می‌سازد.

۲۱^۱ دل پادشاه در دست خداوند است و او آن را مانند آب جوی، به هر سو که بخواهد، هدایت می‌کند.

۲^۲ تمام کارهای انسان در نظر خودش درست است، اما انگیزه‌ها را خداوند می‌آزماید.

۳^۳ عدالت و انصاف بیشتر از تقدیم قربانیها خداوند را خوشنود می‌سازد.

۴^۴ مردم بدکار در اختیار غرور و تکبر خود هستند و این شیوه گناه شمرده می‌شود.

۵^۵ نقشه با دقت انسان را توانگر می‌کند، اما عجله باعث فقر می‌شود.

۶^۶ ثروتی که از راه ناروا به دست می‌آید، هرگز دوام نمی‌کند. پس چرا باید در این راه خود را به خطر بیندازی؟

۷^۷ ظلم اشخاص بدکار که نمی‌خواهند راستی را بجا آورند، عاقبت بسوی خود شان باز می‌گردد و آن‌ها را نابود می‌کند.

۸^۸ راه شخص گناهکار کج است، اما آدم پاک در راه راستی قدم برمی‌دارد.

۹^۹ سکونت در گوشه بام بهتر است از زندگی کردن با زن ستیزه‌جو در یک خانه مشترک.

۱۰^{۱۰} شخص بدکار ظلم را دوست دارد و حتی همسایه‌اش از دست او در امان نیست.

۱۱^{۱۱} جاهلان تا تنبیه شدن مردم مسخره‌کننده را نبینند، درس عبرت نمی‌گیرند، اما اشخاص دانا از شنیدن آنچه که به آن‌ها تعلیم داده می‌شود، چیزی می‌آموزند.

۱۲^{۱۲} خدای عادل اعمال خانه مردم بدکار را می‌بیند و آن‌ها را واژگون کرده هلاک

می‌سازد.

۱۳ کسی که فریاد فقیران را نشنیده می‌گیرد، در روز تنگدستی خود هم فریادرسی نخواهد داشت.

۱۴ آتش خشم را می‌توان با دادن هدیه پنهانی خاموش کرد.

۱۵ اجرای عدالت برای آدم راستکار نشاط‌بخش است، اما برای شخص بدکار مصیبت بار.

۱۶ مرگ در انتظار کسانی است که از راه راست منحرف می‌شوند.

۱۷ کسی که عیاشی را دوست دارد، فقیر می‌شود و شخص می‌گسار و خوشگذران هرگز ثروتمند نخواهد شد.

۱۸ مردم بدکار در همان دامی که برای اشخاص راستکار نهاده‌اند، گرفتار می‌شوند.

۱۹ سکونت در بیابان بی‌آب و علف بهتر است از زندگی کردن با زن ستیزه‌جو.

۲۰ خانه شخص دانا از نعمت و ثروت پُر است، اما آدم نادان هر چه را به دست می‌آورد برباد می‌دهد.

۲۱ راستکار و مهربان باش تا عمر شاد داشته باشی و از احترام و موفقیت برخوردار شوی.

۲۲ یک شخص دانا می‌تواند شهر مردان با قدرت را تسخیر کند و قلعه اعتماد شان را فروریزد.

۲۳ هر که مواظب سخنان خود باشد، جان خود را از مصیبت‌ها نجات می‌دهد.

۲۴ کسانی که دیگران را مسخره می‌کنند، مغرور و متکبرانند.

۲۵ شخص تنبل که از کار کردن امتناع می‌کند، باعث هلاکت خود می‌شود.

۲۶ او تمام روز در خواب و خیال بسر می‌برد، اما شخص راستکار سخاوتمند است و از بخشیدن به دیگران دریغ نمی‌کند.

۲۷ قربانی‌های شیرین مورد قبول نیستند، پس چند مرتبه زیادت‌تر وقتی آنرا بخاطر بدی خود تقدیم کنند.

۲۸ شاهد دروغگو نابود خواهد شد، اما سخنان شخص صادق تا ابد باقی می‌مانند.

۲۹ آدم بدکار خودسرانه عمل می‌کند، اما شخص راستکار جوانب امر را می‌سنجد.

۳۰ هیچ حکمت و بصیرت و نقشه‌ای نمی‌تواند علیه خداوند عمل کند.

۳۱ انسان اسپ را برای روز جنگ آماده می‌کند، اما پیروزی را خداوند می‌بخشد.

۲۲^۱ نیکنامی بهتر از ثروت هنگفت است و محبوبیت گرانبها‌تر از طلا و نقره.

۲ فقیر و ثروتمند یک وجه مشترک دارند: هر دوی آن‌ها را خداوند آفریده است.

۳ شخص زیرک خطر را می‌بیند و از آن دوری می‌کند، اما آدم جاهل بسوی آن می‌رود و خود را گرفتار می‌سازد.

۴ ثمره تواضع و اطاعت از خداوند، ثروت و احترام و عمر طولانی است.

۵ راه اشخاص بدکار از خارها و دامها پوشیده است. پس اگر جان خود را دوست داری از رفتن به آن راه خودداری کن.

۶ کودک را در راهی که باید برود، تربیه کن و او تا آخر عمر از آن منحرف نخواهد شد.

۷ فقیر، اسیر ثروتمند است و کسی که قرض می‌گیرد غلام قرض دهنده است.

۸ هر که ظلم بکارد، آن را درو می‌کند و قدرتش درهم می‌شکند.

۹ شخص سخاوتمندی که غذای خود را با فقرا تقسیم می‌کند، برکت می‌یابد.

۱۰ شخص مسخره کننده را بیرون بینداز تا نزاع و مجادله و دشنام خاتمه یابد.

۱۱ کسی که بخواهد قلبش پاک و کلامش دلنشین باشد، حتی پادشاه هم او را دوست خواهد داشت.

۱۲ خداوند حافظ راستی است و سخنان دروغ را باطل می‌سازد.

۱۳ آدم تنبل در خانه می‌ماند و می‌گوید: «اگر بیرون بروم شیر مرا خواهد خورد.»

۱۴ سخنان زن بدکار مانند یک دام خطرناک است و هر کسی که مورد غضب خداوند باشد در آن گرفتار می‌شود.

۱۵ حماقت در وجود کودک نهفته است، اما تنبیه آن را از او بیرون می‌کند.

۱۶ کسی که بخاطر نفع خود به فقرا ظلم کند و به ثروتمندان هدیه بدهد، عاقبت گرفتار فقر خواهد شد.

گفتار حکیمانه

۱۷ به این سخنان مردان حکیم که به تو یاد می‌دهم، گوش بده و با تمام وجود از آنها پیروی کن،^{۱۸} زیرا حفظ کردن آنها در دل و جاری کردن آنها بر زبان، کار پسندیده‌ای

است.^{۱۹} این سخنان را امروز به تو تعلیم می‌دهم تا بر خداوند اعتماد کنی.^{۲۰} این سی کلام برگزیده را که پُر از پند و حکمت‌اند، برای تو نوشته‌ام^{۲۱} تا حقیقت را همان طوری که هست به تو یاد بدهم و تو نیز آن را به کسانی که از تو سؤال می‌کنند، جواب بدهی.

^{۲۲} به شخص فقیری که حامی ندارد، ظلم نکن و حق بیچارگان را در محکمه پایمال نساز.^{۲۳} زیرا خداوند به داد آن‌ها می‌رسد و کسانی را که به آن‌ها ظلم کرده‌اند، بسزای اعمال شان می‌رساند.

^{۲۴} با اشخاص تُندخو که زود خشمگین می‌شوند معاشرت نکن،^{۲۵} مبادا مثل آن‌ها شوی و زندگی خود را تباه کنی.

^{۲۶} ضامن کسی نشو و تعهد نکن که او قرض خود را ادا خواهد کرد،^{۲۷} زیرا اگر مجبور به پرداخت قرض او شوی و نتوانی آن را بپردازی رختخوابت را از زیر پایت بیرون می‌کشد.

^{۲۸} سرحد مُلک خود را که اجدادت از قدیم تعیین کرده‌اند، به نفع خود تغییر نده.

^{۲۹} اگر کسی در کار خود ماهر باشد، بدان که او جزو اشخاص گمنام نخواهد بود، بلکه در دربار پادشاهان راه خواهد یافت.

۲۳ ^۱ وقتی با شخصی مهمی غذا می‌خوری، بنخاطر داشته باش که با چه کسی نشسته‌ای.^۲ اگر شخص پُر خوری هستی، کارد را بر گلوی خود بگذار^۳ و حریص غذاهای لذیذ او نباش، زیرا ممکن است ترا فریب بدهد.

^۴ عاقل باش و برای کسب ثروت، خود را خسته نکن،^۵ زیرا ثروت پایدار نیست و مانند عقاب می‌پرد و ناپدید می‌شود.

^۶ از خوان شخص خسیس غذا نخور و برای طعام‌های لذیذ او حریص نباش، ^۷ زیرا او حساب هرچه را که بخوری در فکر خود نگاه می‌دارد. او تعارف می‌کند و می‌گوید: «بخور و بنوش»، اما این را از صمیم دل نمی‌گوید. ^۸ لقمه‌ای را که خورده‌ای استفراغ خواهی کرد و تشکرات تو برباد خواهند رفت.

^۹ آدم احمق را نصیحت نکن، زیرا او سخنان حکیمانه‌ی ترا بی‌اهمیت می‌شمارد.

^{۱۰} سرحد ملک خود را که از قدیم تعیین شده تغییر نده و زمین یتیمان را بزور نگیر، ^{۱۱} زیرا خداوند «حامی» آن‌ها با قدرت است و به داد آن‌ها می‌رسد.

^{۱۲} وقتی معلم ترا تعلیم می‌دهد، از صمیم دل به سخنان آموزنده‌ی آنها گوش بده.

^{۱۳} از تأدیب کردن فرزند خویش کوتاهی نکن، زیرا تنبیه او را نمی‌کشد، ^{۱۴} بلکه جان او را از هلاکت نجات می‌دهد.

^{۱۵} فرزندم، اگر حکمت بی‌آموزی، دل من شاد می‌شود، ^{۱۶} و هنگامی که سخن راست بگویی تمام وجودم به وجد می‌آید.

^{۱۷} به بدکاران حسادت نوز، بلکه آرزوی تو اطاعت از خداوند باشد، ^{۱۸} زیرا در اینصورت آینده‌ی خوبی خواهی داشت و امید تو برباد نخواهد رفت.

^{۱۹} فرزندم، عاقل باش و به سخنانم گوش بده. در راه راست قدم بردار ^{۲۰} و با مردم شرابخور و شکم پرست معاشرت نکن، ^{۲۱} زیرا کسانی که کارشان فقط خوردن و خوابیدن است، فقیر و محتاج می‌شوند.

^{۲۲} به نصیحت پدرت که ترا به وجود آورده است، گوش بده و مادرت را هنگامی که پیر می‌شود، خوار نشمار. ^{۲۳} در پی حقیقت باش و حکمت و ادب و دانش را کسب کن و به هیچ قیمتی آن‌ها را از دست نده. ^{۲۴-۲۵} فرزند راستکار و دانا باش تا باعث خوشی و

خوشنودی پدر و مادرت شوی.

^{۲۶} فرزندم، سخنان مرا بشنو و زندگی مرا سرمشق خود قرار ده. ^{۲۷} بدان که زن بدکاره دام خطرناکی است. ^{۲۸} او مانند راهزن در کمین قربانی‌های خود می‌نشیند و به تعداد مردم خیانتکار می‌افزاید.

^{۲۹} مصیبت و بدبختی نصیب چه کسی می‌شود؟ آن کیست که همیشه جنگ و دعوا برپا می‌کند، بی‌جهت زخمی می‌شود و چشمانش تاری می‌گردند؟ ^{۳۰} کسی که دایم شراب می‌خورد و بدنبال میگساری می‌رود. ^{۳۱} پس فریفته شراب گلگون نشو که در پیاله به تو چشمک می‌زند و بعد آهسته از گلویت پائین می‌رود، ^{۳۲} در آخر، مثل مار کشنده ترا نیش می‌زند و مانند کفچه‌مار ترا می‌گزد. ^{۳۳} چشمانت چیزهای عجیب و غریب می‌بینند و گرفتار وهم و خیال می‌گردی. ^{۳۴} مانند کسی می‌شوی که در بحر خوابیده و با امواج آن دست و پنجه نرم می‌کند. ^{۳۵} می‌گوئی: «مرا زدند، اما دردی را احساس نمی‌کنم. چه وقت به هوش می‌آیم تا یک پیاله دیگر بنوشم؟»

۲۴ ^۱ به اشخاص بدکار حسادت نورز و آرزوی دوستی آن‌ها را نداشته باش، ^۲ زیرا تمام فکر و ذکر آن‌ها این است که به مردم ظلم کنند، و هر وقتیکه دهان می‌گشایند مردم را می‌رنجانند.

^۳ خانه بر بنای حکمت و دانش آباد می‌گردد، ^۴ اطاق‌هایش با دانائی از اسباب نفیس و گرانقیمت پُر می‌شوند.

^۵ شخص دانا و فهمیده از قدرت زیاد برخوردار است و همیشه به قدرت خود می‌افزاید. ^۶ پیروزی در جنگ مربوط به تدابیر خوب و مشورت زیاد است.

^۷ شخص احمق نمی‌تواند به حکمت دست یابد. وقتی موضوع مهمی مورد بحث قرار می‌گیرد، او حرفی برای گفتن ندارد.

^۸ کسی که دایم نقشه‌های پلید در سر می‌پروراند، عاقبت رسوا می‌شود. ^۹ نقشه‌های آدم احمق گناه‌آلوداند و کسی که دیگران را مسخره می‌کند، مورد نفرت همهٔ مردم می‌باشد.

^{۱۰} اگر سختی‌های زندگی را تحمل کرده نتوانی، شخص ضعیفی هستی.

^{۱۱} از نجات دادن کسی که به ناحق محکوم شده است، کوتاهی نکن. ^{۱۲} نگو که از ماجرا بیخبر بوده‌ای، زیرا خدائی که جان ترا در دست دارد و از دل تو آگاه است، می‌داند که تو از همه چیز باخبر بوده‌ای. او هر کسی را مطابق اعمالش جزا می‌دهد.

^{۱۳-۱۴} فرزندم، همانطوری که خوردن عسل کام ترا شیرین می‌کند، کسب حکمت نیز برای جان تو شیرین خواهد بود. کسی که حکمت می‌آموزد آیندهٔ خوبی در انتظارش می‌باشد و امیدهای او بر باد نمی‌رود.

^{۱۵} مانند بدکاران نباش که منتظر هستند تا خانهٔ مردم درستکار را غارت و ویران کنند، ^{۱۶} زیرا شخص راستکار حتی اگر هفت بار هم بیفتد، باز برمی‌خیزد، ولی اشخاص بدکار گرفتار بلا شده سرنگون می‌گردند.

^{۱۷} وقتی دشمنان دچار مصیبت می‌شوند، خوشحال نشو و هنگامی که می‌افتند خوشی نکن، ^{۱۸} زیرا خداوند این کار ترا می‌بیند و نمی‌پسندد و آنگاه از مجازات آن‌ها دست برمی‌دارد.

^{۱۹} بخاطر مردم بدکار، تشویش نداشته باش و به آن‌ها حسادت نوز، ^{۲۰} زیرا شخص بدکار آینده‌ای ندارد و چراغش خاموش می‌شود.

^{۲۱} فرزندم از خداوند و پادشاه بترس و با کسانی که علیه آن‌ها شورش می‌کنند همدست نشو. ^{۲۲} زیرا نابودی آن‌ها ناگهانی است و کسی نمی‌داند که خداوند و پادشاه چه بلائی را بر سر آن‌ها می‌آورد.

چند سخن حکیمانه دیگر

^{۲۳} مردان حکیم این سخنان را نیز گفته‌اند:

قاضی نباید در وقت محاکمه از کسی طرفداری کند. ^{۲۴} هر کسی که به مجرم بگوید: «تو بیگناه هستی»، مورد لعنت و نفرت مردم قرار می‌گیرد. ^{۲۵} اما شخصی که گناهکار را محکوم کند، سعادت و برکت نصیبش می‌شود.

^{۲۶} جواب صادقانه مانند بوسهٔ یک دوست دلچسپ است.

^{۲۷} اول کار و کسی برای خود پیدا کن و بعد خانه و خانواده‌ات را تشکیل بده.

^{۲۸} علیه همسایه‌ات شهادت دروغ مده و سخنان غلط در باره‌اش بر زبان نیاور. ^{۲۹} نگو: «همان بلائی را که بر سر من آورده بر سر خودش می‌آورم.»

^{۳۰} از کنار مزرعهٔ آدم تنبل و تاکستان مرد احمق گذشتم. ^{۳۱} در همه جا خار روئیده بود. علف‌های هرزه زمین را پوشانده و دیوار مزرعه فروریخته بود. ^{۳۲} با دیدن این منظره به فکر فرورفتم و این درس را آموختم: ^{۳۳} کسی که دست بر دست هم می‌گذارد و دایم می‌خوابد و استراحت می‌کند، ^{۳۴} عاقبت فقر و تنگدستی مثل راهزن مسلحی به سراغش می‌آید.

امثال بیشتر سلیمان

^{۲۵} ^۱ اینها نیز از امثال سلیمان‌اند که کاتبان حزقیاء، پادشاه یهودا آن‌ها را نقل کرده‌اند:

^۲ عظمت خدا در پوشاندن اسرارش می‌باشد، اما عظمت پادشاه در دانستن عمق مسائل.

^۳ پی بردن به افکار پادشاه مانند دست یافتن به آسمان و عمق زمین، غیر ممکن است.

^۴ ناپاکی را از نقره جدا کن تا زرگر بتواند از آن ظرفی بسازد. ^۵ مأمورین بدکار پادشاه را از او دور کن تا تخت او در عدالت پایدار بماند.

^۶ وقتی بحضور پادشاه می‌روی، خود را شخص بزرگی مپندار و در جای بزرگان منشین، ^۷ چون بهتر است به تو گفته شود: «بالا تر بنشین»، از اینکه ترا در برابر چشمان بزرگان در جای پائینتر بنشانند.

^۸ وقتی با همسایه‌ات اختلاف داری، به عجله به محکمه نرو، زیرا اگر در آخر ثابت شود که حق با او بوده است، تو چه خواهی کرد؟

^۹ وقتی با همسایه‌ات دعوا می‌کنی، رازی را که از دیگران شنیده‌ای فاش نکن، ^{۱۰} زیرا در اینصورت دیگر کسی به تو اطمینان نخواهد کرد و بدنام خواهی شد.

^{۱۱} سخنی که بجا گفته شود، مانند نگین‌های طلا است که در ظرف نقره‌ای نشانده شده باشند.

^{۱۲} نصیحت شخص دانا برای گوش شنوا مانند حلقه طلا و جواهر، با ارزش است.

^{۱۳} خدمتگار صادق همچون آب سرد در گرمای تابستان، روح آقای خود را تازه می‌کند.

^{۱۴} کسی که دم از سخاوت می‌زند، اما چیزی به کسی نمی‌بخشد، مانند ابر و بادی است که باران نمی‌آورد.

^{۱۵} شخص صبور می‌تواند حتی حاکم را قانع سازد و زبان نرم می‌تواند هر مانعی قوی را از بین بردارد.

^{۱۶} اگر به غسل دست یابی زیاد از حد نخور، زیرا ممکن است دل بد شوی و استفراغ

کنی. ^{۱۷} به خانهٔ همسایه ات زیاد از حد نرو، مبادا از تو سیر و متنفر شود.

^{۱۸} شهادت دروغ مثل تبر و شمشیر و تیرِ تیز، صدمه می زند.

^{۱۹} اعتماد کردن به شخص خائن در زمان سختی مانند جویدن غذا با دندان لق و دویدن با پای شکسته است.

^{۲۰} آواز خواندن برای شخص غمگین مثل کشیدن لباس از تن، در هوای سرد و پاشیدن نمک بر زخم او است.

^{۲۱} اگر دشمنت گرسنه باشد، به او غذا بده و اگر تشنه باشد، او را آب بنوشان. ^{۲۲} این عمل تو او را شرمنده می سازد و خداوند به تو پاداش می دهد.

^{۲۳} همانطوری که بادِ شمال باران می آورد، بدگویی هم خشم و عصبانیت ببار می آورد.

^{۲۴} سکونت در گوشهٔ بام بهتر است از زندگی کردن با زن ستیزه جو در خانهٔ مشترک.

^{۲۵} خبر خوشی که از دیار دور می رسد، همچون آب سردی است که به کام شخص تشنه لب می ریزد.

^{۲۶} سازش آدم راستکار با شخص بدکار مانند آلوده کردن منبع آب و گل آلود ساختن چشمه است.

^{۲۷} همانطوری که افراط در خوردن عسل مضر است، انتظار تعریف و تمجید از مردم نیز ناپسند است.

^{۲۸} کسی که بر نفس خویش تسلط ندارد، مثل شهر بی دیوار و آمادهٔ انهدام است.

۲۶^۱ همانطوری که باریدن برف در تابستان یا باران در فصل درو خلاف قانون طبیعت است، احترام داشتن به اشخاص نادان هم جایز نیست.

۲^۲ نفرین، اگر مستحق آن نباشی، صدمه‌ای به تو نمی‌رساند و مانند پرنده‌ای است که به هر طرف پرواز می‌کند و در جایی نمی‌نشیند.

۳^۳ قمچین برای اسپ، قیزه برای الاغ و چوب برای تنبیه احمق ضرور است.

۴^۴ کسی که به سؤال احمقانه جواب بدهد، مثل سؤال کننده آن احمق است.

۵^۵ پس باید به سؤال احمقانه جواب احمقانه داد تا کسی که سؤال کرده فکر نکند که عاقل است.

۶^۶ کسی که به دست آدم احمق پیغام می‌فرستد، مثل شخصی است که پای خود را قطع می‌کند و یا زهر می‌خورد.

۷^۷ مثلی که از دهان شخص نادان بیرون می‌آید، مانند پای لنگ سست است.

۸^۸ احترام داشتن به آدم احمق مانند بستن سنگ به فلاخن کار احمقانه است.

۹^۹ مثلی که از دهان آدم احمق بیرون می‌آید، همچون خاری که به دست شخص احمق فرومی‌رود و او حس نمی‌کند، بی‌اثر است.

۱۰^{۱۰} کسی که آدم احمق را استخدام می‌کند، مانند تیراندازی است که هر رهگذری را مجروح می‌سازد.

۱۱^{۱۱} همانطوری که سگ به استفراغ خود برمی‌گردد، به همان ترتیب شخص احمق حماقت خود را تکرار می‌کند.

۱۲ کسی که در نظر خودش عاقل است، از یک احمق هم نادان تر است.

۱۳ آدم تنبل پای خود را از خانه بیرون نمی‌گذارد و می‌گوید: «شیرهای درنده در کوچه‌ها هستند!»^{۱۴} او مانند دروازه‌ای که بر پاشنه خود می‌چرخد، در رختخواب می‌غلند و از آن جدا نمی‌شود.^{۱۵} دست خود را بطرف بشقاب دراز می‌کند، اما از فرط تنبلی لقمه را به دهان خود نمی‌گذارد.^{۱۶} با اینهم او خود را داناتر از هفت مرد عاقل می‌داند.

۱۷ کسی که در دعوائی دخالت می‌کند که مربوط به او نیست، مانند شخصی است که از گوشهای سگی می‌گیرد.

۱۸-۱۹ شخصی که همسایه خود را فریب بدهد و بعد به او بگوید که شوخی کرده است، مثل دیوانه‌ای است که به هر طرف آتش و تیرهای مرگبار پرتاب می‌کند.

۲۰ اگر هیزم نباشد، آتش خاموش می‌شود. اگر سخن چین نباشد، نزاع فرومی‌نشیند.

۲۱ همانطوری که زغال و هیزم آتش را مشتعل می‌سازد، مرد ستیزه‌جو هم جنگ و دعوا را برپا می‌کند.

۲۲ حرف‌های آدم سخن چین مانند لقمه‌های لذیذی است که با لذت بلعیده می‌شوند.

۲۳ سخنان شیرین و فریبنده، شرارت دل را پنهان می‌کند، درست مثل لعابی که ظرف گلی را می‌پوشاند.

۲۴ شخص کینه‌توز با حرف‌های خود کینه دل خود را مخفی می‌کند،^{۲۵} اما تو فریب حرف‌های فریبنده او را نخور، زیرا دلش پُر از نفرت است.^{۲۶} اگرچه نفرت خود را با حيله پنهان می‌کند، ولی سرانجام خوی پلید او بر همه کس آشکار می‌گردد.

۲۷ هر کسی که برای دیگران چاه بکند، خودش در آن می‌افتد. هر که سنگی را بطرف

دیگران بغلتاند، آن سنگ برمی‌گردد و بالای خود او می‌افتد.

^{۲۸} زبان درغگو از شنونده‌اش نفرت دارد و به او آسیب می‌رساند. سخن چاپلوس جز خرابی چیزی دیگری ببار نمی‌آورد.

^{۲۷} ^۱ درباره‌ی فردایت با غرور صحبت نکن، زیرا نمی‌دانی که فردا چه پیش خواهد آمد.

^۲ هرگز از خودت تعریف نکن، بگذار دیگران از تو تعریف کنند.

^۳ حمل بار سنگ و ریگ سخت است، اما تحمل سختی‌هایی که یک شخص احمق ایجاد می‌کند، از آن هم سخت‌تر است.

^۴ حسادت خطرناکتر و بی‌رحمتر از خشم و غضب است.

^۵ سرزنش آشکار از محبت پنهان بهتر است.

^۶ زخم دوست بهتر از بوسه‌ی دشمن است.

^۷ شکم سیر حتی از عسل کراهت دارد، اما برای شکم گرسنه هر چیز تلخ، شیرین است.

^۸ کسی که خانه‌ی خود را ترک می‌کند، همچون پرنده‌ای است که از آشیانه‌ی خود آواره شده باشد.

^۹ مشوره‌ی صمیمانه‌ی یک دوست همچون عطری خوشبو دلپذیر است.

^{۱۰} دوست خود و دوست والدینت را هرگز ترک نکن، و وقتی که در سختی هستی، بسراغ خویشاوندانت نرو. همسایه‌ی نزدیک از خویشاوندان دور بهتر است.

^{۱۱} فرزندم، حکمت بیاموز و دل مرا شاد کن تا بتوانم جواب کسانی را که سرزنش می‌کنند، بدهم.

^{۱۲} شخص زیرک خطر را می‌بیند و از آن اجتناب می‌کند، اما آدم جاهل بسوی آن می‌رود و خود را گرفتار می‌سازد.

^{۱۳} از کسی که پیش تو ضامن شخص بیگانه‌ای می‌شود، گرو بگیر.

^{۱۴} اگر صبح وقت با دعای خیر دوستت را از خواب بیدار کنی، دعای تو همچون لعنت خواهد بود.

^{۱۵} چکیدن دائمی آب در روز بارانی و زن ستیزه‌جو مثل هم هستند. ^{۱۶} هر که بخواهد با او مقابله کند، مثل کسی است که بخواهد مانع وزیدن باد گردد و یا اینکه روغن را در دست خود نگهدارد.

^{۱۷} همانطوری که آهن، آهن را تیز می‌کند، دوست نیز شخصیت دوست خود را اصلاح می‌کند.

^{۱۸} هر که از درخت انجیر نگهداری کند، از میوه‌اش هم خواهد خورد، و هر کسی که به آقای خود خدمت کند، عزت می‌یابد.

^{۱۹} همانطوری که انسان در آب، انعکاس روی خود را می‌بیند، در قلب دیگران نیز انعکاس شخصیت خود را مشاهده می‌کند.

^{۲۰} همانطوری که دنیای مردگان از بلعیدن زندگان سیر نمی‌شود، خواهشهای انسان هم هرگز ارضا نمی‌گردند.

^{۲۱} طلا و نقره را بوسیله آتش می‌آزمایند، اما انسان را از عکس‌العملش در برابر تعریف

و تمجید دیگران می‌توان شناخت.

^{۲۲} اگر شخص احمق را در هاوَن هم بکویی، حماقتش از او جدا نمی‌شود.

^{۲۳-۲۴} مال و دارائی زود از بین می‌رود و تاج و تخت پادشاه تا ابد برای اولادهٔ او باقی نمی‌ماند. پس تو با دقت از گله و رمه‌ات مواظبت کن، ^{۲۵} زیرا وقتی بیده چیده می‌شود و محصول تازه بیار می‌آید و علف کوهستان جمع‌آوری می‌شود، ^{۲۶} آنگاه از پشم گوسفندان لباس تهیه خواهی کرد، از فروش بزهایت زمین خواهی خرید ^{۲۷} و از شیر بقیهٔ بزهایت تو و خانواده و کنیزانت سیر خواهی شد.

۲۸ ^۱ مردم بدکار می‌گزینند، در حالیکه کسی آن‌ها را تعقیب نمی‌کند، اما اشخاص صادق مثل شیر، شجاع هستند.

^۲ وقتی ملتی گرفتار آشوب می‌شود، دولتش به آسانی سرنگون می‌گردد، اما رهبران راستکار و عاقل مایهٔ ثبات مملکت هستند.

^۳ حاکمی که بر فقرا ظلم می‌کند، مانند باران شدیدی است که محصول را از بین می‌برد.

^۴ قانون شکنی، ستایش مردم بدکار است، اما اطاعت از قانون، مبارزه با فساد می‌باشد.

^۵ عدالت برای مردم بدکار بی‌معنی است، اما پیروان خداوند اهمیت آن را بخوبی می‌دانند.

^۶ بهتر است که انسان فقیر و راستکار باشد، تا اینکه ثروتمند و فریبکار.

^۷ جوانی که از قانون اطاعت می‌کند، عاقل است، اما کسی که همنشین مردم شریر و بدکار است، باعث ننگ پدر خود می‌شود.

^۸ مالی که از راه سودخوری و منفعت جوئی از فقرا حاصل شود، عاقبت به دست کسی می افتد که بر فقرا رحم می کند.

^۹ خدا از دعای کسانی که احکام او را اطاعت نمی کنند، نفرت دارد.

^{۱۰} هر که دام بر راه شخص راستکار بنهد و او را براه بد بکشاند، عاقبت به دام خود گرفتار می شود، اما اشخاص نیک پاداش خوبی می گیرند.

^{۱۱} ثروتمندان خود را عاقل می پندارند، اما فقیر خردمند از واقعیت باطن آن ها باخبر است.

^{۱۲} وقتی مردمان نیک پیروز می شوند، همه خوشی می کنند، اما هنگامی که بدکاران به قدرت می رسند، مردم مخفی می شوند.

^{۱۳} هر که گناه خود را بپوشاند، هرگز کامیاب نمی شود، اما کسی که به گناه خود اعتراف کند و از آن دست بکشد، خدا بر او رحم می کند.

^{۱۴} خوشا بحال کسی که از خداوند می ترسد، زیرا هر که در برابر خدا سرسختی نشان بدهد، گرفتار بلا و بدبختی می شود.

^{۱۵} مردم بیچاره ای که زیر سلطه حاکم ظالمی زندگی می کنند، مانند کسانی می باشند که گرفتار شیر غران و یا خرس گرسنه هستند.

^{۱۶} پادشاه نادان بر مردم ظلم می کند، اما آن پادشاهی که از بی عدالتی و رشوه خوری نفرت داشته باشد، سلطنتش طولانی خواهد بود.

^{۱۷} عذاب وجدان شخص قاتل، او را بسوی مجازات می برد، پس تو سعی نکن که او را از عذابش برهانی.

۱۸ هر که در راه راست ثابت قدم باشد، در امان می ماند، اما کسی که به راههای کج برود، به زمین می خورد.

۱۹ هر که در زمین خود زراعت کند، نان کافی خواهد داشت، اما کسی که وقت خود را به تنبلی بگذراند، فقر گریبانگیر او می شود.

۲۰ اشخاص راستکار کامیاب می شوند، ولی کسانی که برای ثروتمند شدن عجله می کنند، بی سزا نمی مانند.

۲۱ طرفداری، کار درستی نیست، اما قضایای هم هستند که بخاطر یک لقمه نان بی عدالتی می کنند.

۲۲ آدم خسیس فقط به فکر جمع آوری ثروت است، غافل از اینکه فقر در انتظار او است.

۲۳ اگر اشتباه کسی را به او گوشزد کنی، در آخر بیشتر از کسی که پیش او چاپلوسی کرده است، از تو قدردانی خواهد کرد.

۲۴ کسی که از والدین خود دزدی می کند و می گوید: «کار بدی نکرده ام»، از یک دزد کمتر نیست.

۲۵ حرص و طمع باعث جنگ و جدال می شود، اما توکل نمودن بر خداوند انسان را کامیاب می سازد.

۲۶ کسی که از عقاید خود پیروی می کند، احمق است، اما هر که پیرو حکمت باشد، در امان می ماند.

۲۷ اگر به فقرا کمک کنی، هرگز محتاج نمی شوی، اما اگر روی خود را از آنها

برگردانی، مورد لعنت قرار می‌گیری.

^{۲۸} هنگامی که مردم بدکار به قدرت می‌رسند، مردم مخفی می‌شوند، اما وقتی آن‌ها سقوط می‌کنند، اشخاص راستکار قدرت را به دست می‌گیرند.

۲۹ ^۱ کسی که بعد از سرزنش زیاد بازهم سرسختی کند، ناگهان خُرد می‌شود و
علاجی نخواهد داشت.

^۲ تا وقتی که قدرت به دست اشخاص نیک باشد، مردم خوشحال هستند، ولی اگر قدرت
به دست افراد بد افتد، مردم می‌نالند.

^۳ پسر عاقل پدر خود را خوشحال می‌سازد، اما پسری که بدنبال زنان بدکار می‌رود،
دارائی او را برباد می‌دهد.

^۴ پادشاه عادل به کشور خود ثبات می‌بخشد، ولی آنکه رشوت می‌گیرد، مملکت خود را
نابود می‌سازد.

^۵ شخص متملق با چاپلوسی به دوست خود صدمه می‌زند.

^۶ اشخاص بدکار در دام گناه خود گرفتار می‌شوند، اما شادکامی نصیب مردم راستکار
می‌گردد.

^۷ شخص راستکار نسبت به فقرا با انصاف است، اما آدم بدکار به فکر آن‌ها نیست.

^۸ شخص احمقی که دیگران را مسخره می‌کند، شهری را به آشوب می‌آورد، اما آدم دانا
خشم را فرومی‌نشاند.

^۹ وقتی یک آدم عاقل با یک شخص احمق به محکمه می‌رود، مرد احمق خشمگین

می‌شود و او را مسخره می‌کند و کار بجائی نمی‌رسد.

^{۱۰} اشخاص خون آشام از افراد راستکار متنفرند و قصد جانشان را دارند.

^{۱۱} آدم احمق بزودی خشم خود را ظاهر می‌سازد، اما شخص عاقل از خشم خود جلوگیری می‌کند.

^{۱۲} اگر حاکم به سخنان دروغ گوش بدهد، تمام خادمانش دروغگو می‌شوند.

^{۱۳} فقیر و ثروتمند در یک چیز مثل هم هستند: خداوند به هر دوی آنها چشم بینا داده است.

^{۱۴} پادشاهی که نسبت به مردم مسکین با انصاف باشد، سلطنتش همیشه پایدار می‌ماند.

^{۱۵} برای تربیهٔ کودکان چوب و تأدیب لازم است، اگر او را آزاد گذاری و سرزنش نکنی، باعث شرمندگی مادر خود می‌شود.

^{۱۶} وقتی اشخاص بدکار به قدرت می‌رسند، فساد زیاد می‌شود. اما مردم راستکار سقوط آنها را بچشم خواهند دید.

^{۱۷} فرزندان را تأدیب کن تا باعث خوشی و آرامش تو گردد.

^{۱۸} مردمی که راهنمای شان خدا نباشد، سرکش می‌شوند، خوشا بحال قومی که از احکام خدا پیروی می‌کنند.

^{۱۹} خادمان تنها با نصیحت اصلاح نمی‌شوند، زیرا آنها هرچند سخنان ترا بفهمند، اما به آنها توجه نمی‌کنند.

^{۲۰} شخصی که بدون فکر کردن و با عجله حرف می‌زند، از یک احمق هم بدتر است.

۲۱ خادمی که آقايش او را از کودکی بناز پرورده باشد، سرانجام دارائی آقای خود را غصب می‌کند.

۲۲ شخص تندخو نزاع برپا می‌کند و آدم بدخلق فتنه‌انگیز است.

۲۳ تکبر، انسان را به زمین می‌زند، اما فروتنی باعث سرفرازی می‌شود.

۲۴ کسی که با دزد همدست می‌شود، به جان خود دشمنی می‌کند، اگر در محکمه حقیقت را بگوید، مجازات خواهد شد و اگر حقیقت را نگوید، خدا او را لعنت می‌کند.

۲۵ کسی که از انسان می‌ترسد در دام می‌افتد، اما هرکه بر خدا توکل می‌کند، در امان می‌ماند.

۲۶ بسیاری از مردم از حاکم انتظار لطف را دارند، اما داوری فقط به دست خداوند است.

۲۷ اشخاص راستکار از بدکاران نفرت دارند و بدکاران از مردم راستکار.

سخنان آگور

۳۰^۱ سخنان و پیغام آگور، پسر یاقه. وحی آن مرد به ایتئیل یعنی به ایتئیل و اُکال.

۲^۲ من از هر آدم نادانتر هستم و شعور یک انسان را ندارم. ^۳ من هرگز حکمت را نیاموخته‌ام و درباره خدا چیزی نمی‌دانم. ^۴ آن کیست که به آسمان صعود کرد و بر زمین فرود آمد؟ آن کیست که باد را در مشت خود جمع کرد و آبها را در جامه خود پیچید؟ آن کیست که حدود زمین را تعیین کرد؟ نام او چیست و پسرش چه نام دارد؟ اگر می‌دانی بگو.

^۵ خدا به وعده خود وفا می‌کند. او مانند سپر از کسانی که بر او توکل دارند، حمایت می‌نماید. ^۶ به کلام او چیزی می‌فزا، مبادا ترا تنبیه کند و دروغگو شوی.

^۷ ای خدا، پیش از اینکه بمیرم، دو چیز از تو می‌خواهم: ^۸ زبان مرا از دروغ گفتن بازدار و مرا نه فقیر ساز و نه ثروتمند، بلکه خوراک مرا مطابق احتیاجم به من بده. ^۹ زیرا اگر ثروتمند شوم ممکن است ترا انکار کنم و بگویم: «خداوند کیست؟» و اگر نادار شوم، شاید دزدی کنم و نام ترا بی‌حرمت سازم.

^{۱۰} هیچ وقت از کسی پیش آمرش بدگوئی نکن، مبادا ترا لعنت کند و مجرم شوی.

^{۱۱} کسانی هستند که پدر و مادر خود را نفرین می‌کنند. ^{۱۲} اشخاصی هستند که خود را پاک می‌دانند، در حالیکه آلوده به گناه می‌باشند. ^{۱۳} بسا کسانی هستند که از چشمان شان کبر و غرور می‌بارد. ^{۱۴} گروهی هستند که دندانهای خود را تیز می‌کنند تا بجان مردم فقیر و محتاج افتاده آن‌ها را بلعند.

^{۱۵} سه چیز است که مانند «جُوک» بده بده می‌گوید ولی سیر نمی‌شود، بلکه چهار چیز که نمی‌گوید کافی است: ^{۱۶} دنیای مردگان، رَحِم نازا، زمین خشک و بی‌آب و آتش شعله‌ور.

^{۱۷} کسی که پدر خود را مسخره و مادر خود را تحقیر کند، زاغها چشمانش را از کاسه بیرون می‌کنند و لاشخورها بدنش را می‌خورند.

^{۱۸} سه چیز است که برای من بسیار عجیب است، بلکه چهار چیز که من آن‌ها را نمی‌فهمم: ^{۱۹} پرواز عقاب در آسمان، خزیدن مار بر صخره، عبور کشتی از بحر، بوجود آمدن عشق بین زن و مرد.

^{۲۰} زن بدکار زنا می‌کند و با بی‌شرمی می‌گوید: «گناهی نکرده‌ام.»

^{۲۱} به سبب سه چیز زمین تکان می‌خورد و چهار چیز است که تاب تحمل آن‌ها را ندارد:

^{۲۲} غلامی که به سلطنت می‌رسد، احمقی که سیر و توانگر شود، ^{۲۳} زن بداخلاقی که شوهر کرده باشد و کنیزی که جای خانم خانه را می‌گیرد.

^{۲۴} در زمین چهار چیز جسماً کوچک هستند، اما شعور بسیار دارند: ^{۲۵} مورچه‌ها با وجودیکه ضعیف هستند، اما در تابستان برای زمستان خوراک ذخیره می‌کنند؛ ^{۲۶} موشهای صحرائی با آنکه ناتوانند، اما در بین صخره‌ها برای خود لانه می‌سازند؛ ^{۲۷} ملخها هر چند رهبری ندارند، ولی در دسته‌های منظم حرکت می‌کنند؛ ^{۲۸} و چلباسه‌ها که می‌توان آن‌ها را در دست گرفت، اما در قصرهای پادشاهان هم راه دارند.

^{۲۹} سه چیز است که خوش خرام است، بلکه چهار چیز است که خوش قدم می‌باشد: ^{۳۰} شیر که پادشاه حیوانات است و از هیچ چیزی نمی‌ترسد، ^{۳۱} طاؤس، بز نر، و پادشاهی که سپاهیان او همراه او هستند.

^{۳۲} اگر از روی حماقت مغرور شده و نقشه‌های پلید کشیده‌ای، از این کارهایت دست بکش. ^{۳۳} از جک زدن شیر مسکه به دست می‌آید، از ضربه زدن به بینی خون جاری می‌شود و از برانگیختن خشم نزاع برپا می‌گردد.

نصیحت به یک پادشاه

۳۱ ^۱ اینها سخنانی است که مادر لموئیل پادشاه به او تعلیم داد:

^۲ ای پسر من، ای پسری که ترا با نذر و دعا بدنیا آورده‌ام. ^۳ نیروی جوانی‌ات را صرف زنان مکن، زیرا آن‌ها باعث نابودی پادشاهان شده‌اند. ^۴ ای لموئیل، به پادشاهان نمی‌زیبد که شراب بنوشند و نه شهزادگان را که خواهان مسکرات باشند. ^۵ مبادا بنوشند و قوانین را فراموش کنند و نتوانند به داد مظلومان برسند. ^۶ مسکرات را به کسانی بده که در انتظار مرگ هستند و شراب را به کام کسانی بریز که در بدبختی و تلخکامی بسر می‌برند، ^۷ تا بنوشند و بیچارگی خود را فراموش کنند و مشقت خویش را دیگر بیاد

نیاورند.

^۸ دهان بگشا و از حق کسانی که بی زبان و بیچاره هستند، دفاع کن. ^۹ دهان خود را باز کن و با عدالت داوری کن و به کمک مردم فقیر و مسکین بشتاب.

خصوصیات یک همسر خوب

^{۱۰} یک زن صالحه و لایق را چه کسی می تواند پیدا کند؟ ارزش او از جواهرات هم زیادتر است. ^{۱۱} او مورد اعتماد شوهر خود می باشد و نمی گذارد که شوهرش به چیزی محتاج شود. ^{۱۲} در سراسر عمر به شوهر خود خوبی می کند نه بدی. ^{۱۳} پشم و کتان را می گیرد و با دستهای خود آنها را می ریسد. ^{۱۴} او برای تهیه خوراک مانند کشتیهای تاجران به راههای دور می رود. ^{۱۵} پیش از آنکه هوا روشن شود از خواب برمی خیزد و برای خانواده خود خوراک آماده می کند و هدایات لازم را به کنیزان خود می دهد. ^{۱۶} مزرعه ای را انتخاب می کند و در باره آن فکر کرده، آن را می خرد و با دسترنج خود تاکستانی آباد می کند. ^{۱۷} او نیرومند و پُرکار است. ^{۱۸} ارزش چیزهایی را که درست می کند، می داند و شبها تا ناوقت کار می کند. ^{۱۹} با دستهای خود نخ می ریسد و پارچه می بافتد. ^{۲۰} از روی سخاوت به مردم فقیر کمک می کند. ^{۲۱} از برف و سرما نمی ترسد، زیرا برای اهل خانه خود لباس گرم دوخته است. ^{۲۲} برای خود نیز لباسهای زیبا از پارچه های کتان ارغوانی می دوزد. ^{۲۳} شوهرش از مردان با رسوخ و محترم شهر است. ^{۲۴} او لباس و کمر بند تهیه می کند و به تاجران می فروشد. ^{۲۵} او زنی است قوی و باوقار و از آینده بیم ندارد. ^{۲۶} دهان خود را با حکمت باز می کند و تعلیم محبت آمیز بر زبان وی است. ^{۲۷} او تنبلی نمی کند و احتیاجات خانواده خود را فراهم می نماید. ^{۲۸} فرزندانش از او خوش و راضی هستند و شوهرش او را می ستاید و می گوید: ^{۲۹} «تو بر همه زنان خوب و صالح برتری داری.»

^{۳۰} جمال و زیبایی، فریبنده و ناپایدار است، اما زنی که از خداوند می ترسد، قابل ستایش

است. ^{۳۱} پاداش کارهایش را به او بدهید و همگی باید او را تمجید کنند.

سوال دارید؟ +1 807.700.6090

© دری ۲۰۰۸ afghanbibles.org